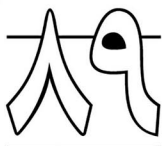


گزارش پژوهشی

اثر نظرات تا امنیت در شرایط
کنش‌های در دو مفهوم بین‌الدین



مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش پژوهش

سال نهم، شماره ۸۹، مهر ۱۳۹۵

از نظارت تا امنیت در شریعت؛ کندوکاوی در دو مفهوم بنیادین

پژوهشگران:

هادی جمشیدیان

مجتبه جامع

مرکز مطالعات و پژوهش های سلامت اداری و مبارزه با فساد

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی باشد.

کلیه حقوق مربوط به گزارش حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه

انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیرمجاز می باشد.



نام گزارش: از نظارت تا امنیت در شریعت؛ کندوکاوی در دو مفهوم بنیادین

پژوهشگران: هادی جمشیدیان^۱ و مجتبی جامعی^۲

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: مهر ۱۳۹۵

آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور،

طبقه ششم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

تلفن: ۶۱۳۶۲۳۰۷

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی - jamshidian41@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی - jameemoj@gmail.com

فهرست مطالب

۷	اشاره.....
۹	فصل یکم: نظارت در شریعت اسلامی.....
۹	بخش یکم - مفهوم‌شناسی اصطلاحات مرتبط با نظارت.....
۹	الف - معانی لغوی نظارت:.....
	ب - تعاریف اصطلاحی یا مفهومی نظارت از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان ایرانی و اسلامی ۱۰
۱۶	بخش دوم - نظارت در قرآن، سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام).....
۱۷	الف) نظارت الهی.....
۲۰	ب) نظارت درونی (نظارت بر خود - خودکنترلی).....
۲۳	پ) نظارت بیرونی (نظارت عمومی - همگانی).....
۲۵	ت) نظارت سازمانی.....
۳۴	فصل دوم: امنیت در شریعت اسلامی.....
۳۴	بخش یکم - مفهوم‌شناسی اصطلاحات مرتبط با امنیت.....
۳۴	الف - معانی لغوی امنیت.....
	ب- تعاریف اصطلاحی یا مفهومی امنیت از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان ایرانی و اسلامی ۳۵
۳۷	پ - جایگاه و مفهوم امنیت.....
۴۰	بخش دوم - امنیت در قرآن، سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام).....
۴۰	الف) امنیت سخت (سلبی) از منظر قرآن کریم.....
۴۵	ب) امنیت نرم (ایجابی) از منظر قرآن.....
۴۹	پ) امنیت در کلام معصومین (علیهم‌السلام).....
۵۰	ت) سیره نبوی یکی از مهم‌ترین مراجع تشخیص امنیت.....
۵۴	نتیجه‌گیری:.....
۵۶	فهرست منابع.....

اشاره

شریعت اسلامی، کامل‌ترین، جامع‌ترین و راهبردی‌ترین شریعت نازل از سوی ذات اقدس الهی است و امنیت و نظارت نیز دو مفهوم اساسی مورد توجه اسلام بوده و ریشه‌ای عمیق در آموزه‌های دینی دارند. شریعت اسلامی، امنیت و نظارت را از اصول زندگی و حالتی اجتناب‌ناپذیر در جوامع انسانی و عنصری ضروری در بهره‌مندی از مواهب حیات و زمینه‌ساز تکامل و ارتقای بشر تلقی کرده و آن را از مقدس‌ترین آرمان‌های بشری و الهی دانسته است. این دو کلیدواژه، در ردیف ارکان اساسی حرکت عظیم اجتماعی برای ملت و زمینه‌ساز پیشرفت‌های مادی و معنوی شهروندان، جامعه و حاکمیت تلقی می‌گردند.

پس بیراه نیست اگر ادعا کنیم، از ابتدای تاریخ، امنیت به‌عنوان اولین نیاز حیاتی انسان مطرح بوده است و لذا پس از تشکیل جوامع انسانی، گذشت زمان و تکامل جوامع بشری یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل دولت نیز تأمین امنیت می‌باشد زیرا هرنوع برنامه‌ریزی و اجرای آن در حیات اجتماعی انسان بدون برخورداری از امنیت غیرقابل تصور است. از طرفی بعد از ایجاد زندگی جمعی در قالب‌های سیاسی و شکل‌گیری حکومت‌ها، نظارت نیز که از مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعات و مسایل مورد بحث است، به امری محسوس و اجتناب‌ناپذیر تبدیل و بیش‌ازپیش در فهرست نیازهای جوامع بشری قرار گرفت.

از آنجاکه شریعت اسلامی، شریعتی جامع با توان پاسخ‌گویی به نیازهای بشری و شهروندان است، در این خصوص نیز دستوراتی دارد و صاحب‌منصبان، مسئولان و حتی شهروندان را در جامعه اسلامی به داشتن یک سازوکار نظارتی جدی و عادلانه و همچنین ایجاد و تأمین امنیت سفارش می‌نماید چراکه سلامت، آرامش و امنیت یک نظام و بقای آن، به وجود نظام نظارتی جامع و دقیق وابسته است که در صورت نبود آن، بنیان‌های اجتماعی دچار تزلزل شده و هرج‌ومرج، نابسامانی و ناامنی، جای امنیت و

آسایش را خواهد گرفت.

در این راستا بررسی جایگاه نظارت و امنیت از دیدگاه قرآن کریم، سنت، روایات معصومین و نظرات فقها، اندیشمندان و متفکرین بزرگ اسلام که از یک هزار و چهارصد سال گذشته به آن توجه ویژه داشته، چشم‌انداز واضح و روشنی از آنچه اسلام آن را می‌طلبد ارایه می‌نماید.

آنچه در این میان جالب‌توجه می‌نماید، رابطه‌ای است که می‌تواند میان این دو مفهوم وجود داشته باشد، زیرا در بسیاری از نوشته‌ها و تحقیقات، از نظارت به مثابه عنصری برای بهتر شدن انجام امور یا اثربخشی بیشتر یاد می‌شود، اما نوشته مقدمه‌ای حاضر، نظارت و امنیت را دو مقوله متصل به یکدیگر می‌پندارد و بر آن است که نظارت به‌جا و دقیق می‌تواند زمینه‌ی ارتقای امنیت و ایمنی را فراهم سازد.

فصل یکم: نظارت در شریعت اسلامی:

بخش یکم - مفهوم شناسی اصطلاحات مرتبط با نظارت

الف - معانی لغوی نظارت^۱:

نظارت به معنای نظر افکندن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۰۶) نظارت اسم مصدر از ریشه نظر است و نظر یعنی نگاه کردن و نگریستن (معین، جلد ۴: ۴۷۴۷) البته معانی دیگری نیز برای نظارت وجود دارد که عبارت‌اند از: نظر کردن و نگریستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، نگرانی و دیده‌بانی چیزی و حراست (دهخدا، ۱۳۳۹: ۵۸۷) نظارت به فتح نون عبارت است از: عمل ناظر و مقام او، مراقبت در اجرای امور، شغلی در دربار شاهان که متصدی آن مسئول اداره و حسن جریان بخشی از امور بود. نظارت بیوتات و نظارت امور مالی، نظارت خرج دربار (معین، جلد ۴: ۴۷۴۸).

نظارت به کسر نون به معنای زیرکی، فراست، نظر کردن، نگریستن است (همان منبع). در زبان فارسی نظارت، پائیدن و پایش می‌باشد. البته باید گفت که واژه «نظاره» در زبان عربی نیز کاربرد دارد و در آنجا معانی دیگری نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند از جمله: عمل ناظر و مقام ناظر را نظاره گویند و نیز معنای به‌سوی چیزی نگران شدن و قومی که به‌سوی چیزی نگران باشند، یا قومی که در جای مرتفعی می‌نشینند و صحنه نبرد را تماشا می‌کنند بی‌آنکه در جنگ شرکت جویند. همچنین در زبان عربی نیز معادل‌هایی از جمله عیون، محاسبه، محافظه، مراقبه و محتسب وجود دارد. اما اصطلاحاً برابر کلمه نظارت «الرقابه» به‌کاربرده می‌شود (فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۲).

شایان ذکر است باوجود آن‌که واژه نظارت در زبان فارسی و عربی دارای مفهوم مشخص و کاربردی معین در حوزه سیاست، حکومت، کشورداری و اداره بوده و می‌باشد

و معنای کامل و رسایی را دربردارد ولی نویسندگان و مترجمین بسیاری به جای استفاده از آن، واژه لاتین کنترل را به کار گرفته‌اند درحالی که واژه کنترل ترجمه شده به نظارت کردن و بازرسی کردن و واریسی، بازرسی و تفتیش (آریانپور کاشانی، جلد اول، ۱۱۴۴) که احتراز از استعمال کلمه کنترل می‌باشد و عباراتی همچون پایش^۱، مراقبت^۲، مواظبت و پاسداری^۳.

ب - تعاریف اصطلاحی یا مفهومی نظارت از دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان ایرانی و اسلامی:

نظارت به عملی گفته می‌شود که ناظر آن را انجام می‌دهد و ناظری که اعمال نظارت می‌کند کسی است که عمل یا اعمال نماینده شخص یا اشخاص، مورد توجه قرار گرفته و صحت و وسقم آن عمل یا اعمال با مقیاس معینی که معهود است سنجیده شود و برای این کار اختیارات قانونی وجود داشته باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۰۶)

نظارت را می‌توان به مجموعه سیاست‌ها، مراقبت‌ها و عملکردهای مدیران که به منظور مقایسه فعالیت‌های انجام شده با اصول مدون و همچنین اعمال اصلاحات لازم درجهت کاهش انحرافات احتمالی از اهداف تعیین شده اطلاق نمود (الوانی، ۱۳۸۰) نظارت مراقبت از اجرای عملیات سازمانی و اداری برای رسیدن به اهداف تعیین شده و به منظور حصول اطمینان از جریان قانونی و صحیح امور و درجهت تحقق اهداف یادشده صورت می‌پذیرد. به این معنا که نظارت، ضمانت اجرای برنامه‌ها، برای رسیدن به هدف است. برای نظارت برحیطه علوم انسانی و اجتماعی تعاریف مختلفی را بیان کرده‌اند، اما آنچه از این تعاریف به دست می‌آید، این که جوهره تمامی آن‌ها بر استفاده از عامل ترس، به عنوان اهرمی برای جلوگیری از بروز خطا و انحراف در مسیر حرکت فرد یا مجموعه‌ها استوار است. البته عامل ترس، عامل رشد دادن و پرورش استعدادها در

1- control

2- oversee

3- watchdog

مسیرهای عالی نمی‌تواند باشد، ولی بهترین عامل برای فرونشاندن و جلوگیری کردن از به‌کارگیری استعدادها در مسیرها و اهداف پست و پایین که در فرآیند این مسیر، فساد، انحراف و کج‌روی‌ها بسیار زیاد است، می‌باشد. بنابراین؛ نظارت یک فرآیند عقلانی برای جلوگیری از طغیان، عصیان، تخلف و سرکشی است که به‌موجب آن میزان انحراف و خطا در عملکرد فرد و سازمان و دستگاه‌های اداری کاهش یافته و صحت مسیر حرکت با ضریب اطمینان بالا و بیشتری پیگیری می‌شود (الوانی، ۱۳۷۹).

نظارت به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده شود تا از این طریق، نسبت به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب اطمینان به دست آید. (ملک افضلی، ۱۳۸۲: ۴۱ و ۴۲).

کنترل عبارت است از استفاده از راهکارهای عملی و علمی و انسانی برای حصول اطمینان از انطباق فعالیت‌ها با قوانین و مقررات مورد عمل و کفایت آن‌ها به‌منظور اقتصادی بودن فعالیت‌ها، پی‌بردن به نقاط ضعف و قدرت عملکردها، ارایه راه‌حل‌های اصلاحی، افزایش بهره‌وری (دادگر، ۱۳۸۰: ۱۴).

نظارت عبارت است از این‌که شخص، مقام یا سازمانی، اعمال شخص، مقام یا سازمان را قانوناً زیر نظر قرار دهد و به‌درستی یا نادرستی آن اعمال پی‌برد (هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۹۴).

کنترل، فرآیندی است که مدیر از طریق آن تطابق عملیات انجام‌شده را با فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده می‌سنجد (رضاییان، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

کوششی که مدیر برای تطبیق عملیات با برنامه انجام می‌دهد تا میزان صحت و وسقم فعالیت‌ها را به‌دست آورد (تقوی دامغانی، ۱۳۷۱: ۹۵).

خواجیه نظام‌الملک در سیاست‌نامه می‌نویسد: «واجب است پادشاه را از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش پرسیدن و اندک و بسیار آنچه رود دانستن و اگر نه چنین کند عیب باشد و بر غفلت و ستمکاری حمل نهند و گزینند. فساد و دست‌درازی که در

مملکت می‌رود یا پادشاه می‌داند یا نمی‌داند، اگر می‌داند و آن را تدارک و منع نمی‌کند آن است که همانند ایشان ظالم است و به ظلم رضا داده است و اگر نمی‌داند، پس غافل است و کم‌دان و این هردو معنی نه نیک است. لابد به صاحب برید حاجت آید و همه پادشاهان در جاهلیت و اسلام به صاحب برید خبر تازه داشته‌اند تا آنچه می‌رفت از خیر و شر از آن باخبر بودند» (سیاست‌نامه، ص ۷۳).

فارابی در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله» به صورت‌های مختلف ارتباط و کنترل اجتماعی، در یک جامعه اشاره می‌کند و از گروه‌هایی در این رابطه نام می‌برند که عبارت‌اند از ۱. پدر و مادر و آن‌هم به جهت غلبه کردن بر بیگانگان و تعاون و همکاری بین افراد جامعه ۲. ارتباط و کنترل و نظارت ناشی از اشتراک در رئیس اول به وجود آمده یعنی کسی که نخست افراد جامعه را گردآوری کرده و تدبیر و اداره و نظارت و کنترل امور آن‌ها را به دست گرفته است ۳. نظارت و کنترل و ارتباط ناشی از عهد و پیمان‌هایی است که میان آن‌ها بسته شده و بالطبع موجب گردیده که هر انسانی از حق خود گذشت کرده و تعهد کند که با سایرین جنگ و درگیری نداشته باشد ۴. گروهی دیگر معتقدند که این نظارت و کنترل و ارتباط از تشابه در اخلاق و خلق و خوی طبیعی و از اشتراک دو زبان ناشی می‌شود ۵. قومی دیگر معتقدند که این نظارت و کنترل به ارتباطات افراد برمی‌گردد به واسطه‌ای به نام اشتراک در منزل و در درجه بعدی اشتراک در مسکن‌ها، و از همین جهت است که باید با همسایگان مواسات و دوستی نمود زیرا انسان نسبت به تعهدی که به همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها دارد، این خود باعث خودکنترلی در جامعه می‌شود (فارابی، ۱۳۵۸: ۳۲۳).

نظارت و کنترل فعالیتی هستند که ضمن آن‌ها عملیات پیش‌بینی‌شده با عملیات انجام‌شده، مقایسه می‌شوند و در صورت وجود اختلاف و انحراف بین آنچه هست به رفع و اصلاح آن‌ها اقدام می‌شود، به این معنا که کنترل و نظارت فعالیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها، پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه کرده و تصویر

واضحی از اختلاف یا تشابه بین این دو گروه از عوامل در اختیار مدیر و مسئول مربوطه قرار می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۴۴ و ۴۵).

شهید مطهری نظارت و کنترل را به ترتیب از نوع مشارطه، محاسبه، مراقبه، معاقبه و معاتبه چنین توصیف می‌نماید که مشارطه، یعنی اول انسان باید با خودش قرارداد امضا کند، این‌ها را اغلب روی کاغذ می‌آورند، روی کاغذ با خود شرط می‌کند و پیمان می‌بندد که این‌گونه باشیم چون اگر مشارطه نشود و اول با خودش قرارداد نبندد، موارد را مشخص نکند و برای خودش برنامه قرار ندهد، نمی‌داند چگونه از خودش مراقبت کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۷۷).

با بهره‌گیری از مطالب شهید مطهری چنین به‌دست می‌آید که، مشارطه، یعنی باید و نبایدها، برنامه‌ها، نظارت و کنترل، وظایف و دستورالعمل‌ها که از جانب مدیریت سیاسی یا رهبران جامعه تعیین و با مدیران تحت امر و یا حاکمان حکومتی در میان گذاشته می‌شود از آن‌ها خواسته می‌شود که برطبق این لوح عمل کنند و آنگاه براساس آن استانداردها، قالب‌ها و چارچوب‌ها عمل او را موردبررسی و مذاقه قرار داده و اگر کارش بر طبق قول و قرارها (استانداردها، روش‌ها و رویه ابلاغی) انجام پذیرفته، آن را موردسنجش و ارزیابی قرار می‌دهند، که این نوع نظارت و کنترل از دیدگاه اندیشمندان اسلامی مراقبه نامیده می‌شود.

استاد شهید مطهری درباره این نوع از نظارت و کنترل می‌فرماید «... این که مثلاً فرد با خودش قرارداد می‌بندد که خوراک من این جور باشد، خواب من این جور باشد، سخن من این جور باشد، کاری که باید برای زندگی بکنم این جور باشد، کاری که باید برای خلق خدا بکنم این جور باشد، وقت من این جور تقسیم شود، این‌ها را با خودش پیمان می‌بندد که بر طبق این برنامه‌ها عمل کند و بعد مدام از خودش مراقبت می‌کند که همین‌طوری که پیمان بسته رفتار کند» [مراقبه] (همان).

مراقبه یعنی نظارت و کنترل دقیق نحوه انجام امور بر طبق مواردی که در مشارطه

تعیین گردیده است، یعنی این که افراد خود را ملزم می کنند بر طبق برنامه ها و قوانین و آئین نامه ها انجام وظیفه کنند.

شهید مطهری درخصوص کنترل و نظارت از نوع محاسبه می فرماید «... همچنین است که انسان در هر شبانه روز یک دفعه از خودش حساب می کشد که آیا مطابق آنچه پیمان بستم عمل کردم؟ آیا از خود مراقبت کردم یا نکردم» (همان).

با توجه به مطالب بالا، محاسبه یعنی کنترل و نظارت بر عملکرد افراد جامعه و ارزشیابی عملکرد و تعیین نقاط قوت، ضعف و قابل تقویت براساس استانداردها، ضوابط و معیارهایی که درزمان مشارطه جهت اجرای صحیح و دقیق برنامه ها، اعمال خطمشی ها و سیاست ها، رعایت قوانین و مقررات تعیین گردیده است و در مرحله مراقبه (عمل) به عنوان شاخص و معیار، جهت حُسن پیشرفت کار موردنظر قرار می گیرد.

شهید مطهری در رابطه با نظارت و کنترل از نوع معاقبه و معاتبه می فرماید «... اگر فرد براساس مشارطه با خود عمل کرده بود، بعد شکر و سپاس الهی و سجده شکر است، و اگر عمل نکرده بود، مسأله «معاتبه» یعنی خود را ملامت کردن، اگر کم تخلف کرده باشد و «معاقبه» در کار می آید (خود را عقوبت کردن) اگر زیاد تخلف کرده باشد، که آن عقوبت کردن ها با روزه ها و با کارهای خیلی سخت تر بر خود تحمیل کردن و مجازات کردن خود است» (همان). بنابراین، معاتبه به معنای ملامت کردن، درمورد عدم کنترل و نظارت بر تخلفات جزئی و معاقبه یعنی عقوبت کردن درمورد کنترل و نظارت در تخلفات بزرگ می باشد.

امام خمینی (ره) درباره نظارت و کنترل از نوع مراقبه می فرماید:

پس از مشارطه باید وارد مراقبه شوی و آن چنان است که در تمام مدت شرط، متوجه عمل به آن باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن و اگر خدای ناخواسته در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست، بدان که

این از شیطان و جنود اوست که می خواهند تو را از شرطی که کرده ای بازدارند (خمینی، ۱۳۷۳: ۹)

بنیان گذار انقلاب اسلامی در رابطه با محاسبه می فرمایند که از این که حساب نفس را بکشی، در این شرطی که باخدای خود کرده ای آیا به جا آوردی و به ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی؟ اگر درست وفا کردی، شکر خدا را کن در این توفیق و بدان که یک قدم پیشرفت و موردنظر الهی واقع شدی و خداوند ان شاءالله تو را راهنمایی می کند در پیشرفت امور دنیا و آخرت و کار فردا آسان تر خواهد شد و اگر در وقت محاسبه دیدی سستی و فتوری شده در شرطی که کردید، از خدای تعالی معذرت بخواه و بنا بگذار که فردا مردانه به عمل شرط، قیام کنی (همان).

بخش دوم - نظارت در قرآن، سنت و روایات معصومین (علیهم السلام):

در قرآن کلمه «نظارت» و مشتقات آن حدود ۱۲۹ بار و در نهج البلاغه مبحث نظارت ۱۴۳ بار تکرار شده (فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۲) و این مطالب نشانگر اهمیت موضوع است. در نگرش توحیدی، حاکمیت انسان در روی زمین نه تنها تعارضی با حاکمیت خدای سبحان ندارد و در عرض او قرار نمی گیرد، بلکه در طول حاکمیت الهی قرار دارد، زیرا حاکمیت الهی توسط انسان ها اعمال می شود. بنابراین، خداوند، که حاکمیت مطلق از آن او است، این «حق حکومت» را خود به بندگانش واگذار نموده است. فقط با این شرط که قوانین و دستورات او، که در راستای سعادت و کمال بشر و مطابق با فطرت انسان قرار داده شده است، رعایت شود. بر این اساس جانشینی انسان، اولاً، فضا و بستر مساعد و مناسبی برای لیبرالیزه نمودن حاکمیت سیاسی نیست. ثانیاً، دستاویزی برای پایمال نمودن حقوق الهی مردم نمی باشد، به گونه ای که مردم تنها حامیان و مدافعان بی چون و چرای حاکمان و زمام داران به حساب می آیند. زیرا همچنان که خدای سبحان حمایت و اطاعت از حاکمان عادل و مجری احکامش را درخواست نموده است، حق نظارت و مراقبت را برای مردم، به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی، خواستار شده است (اصغری، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

از آن جا که دین اسلام، دینی کامل و پاسخ گوی تمام نیازهای تکاملی انسان است و هر آن چه تکامل و سعادت انسان در گرو آن باشد در آموزه های دینی یافت می شود، در این زمینه نیز دستوراتی دارد و مدیران مسلمان را به داشتن یک نظام دقیق، جدی و عادلانه نظارت و بازرسی سفارش می کند؛ چراکه سلامت و موفقیت هر سازمانی وابسته به وجود نظام نظارتی دقیق در آن سازمان است. بنابراین، نظام جامع نظارتی که می توان با استفاده از منابع و آموزه های دینی استخراج کرد، دارای بخش ها و انواع زیر است:

الف) نظارت الهی:

یکی از سنت‌های ثابت الهی، نظارت کامل، دقیق و مداوم بر اعمال و نیات انسان‌ها و بازرسی و ارزیابی آن‌هاست. خداوند متعال در این دنیا، دقیقاً بر تمام اعمال، گفتار و نیات انسان‌ها نظارت دارد و بر مبنای همین نظارت دقیق و کامل است که در روز قیامت، همه کارهای انسان را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و پاداش یا کیفر مناسب را برای هریک از آن‌ها تعیین می‌کند. از نظر قرآن کریم، اولین ناظر، پروردگار عالم است که نظارت مطلق بر کلیه اعمال و حرکات افراد دارد. برای نمونه می‌توان آیات زیر را بیان نمود:

* «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرُدُّونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»:

* (ای پیامبر)، بگو عمل کنید، خداوند و رسول خدا و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به‌زودی به‌سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۱۰۵).

* «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا»:

* در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چراکه تو در حفاظت کامل ما قرار داری (سوره مبارکه طور، آیه شریفه ۴۸).

* «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا اَحْصَاهُ اللّٰهُ وَ نَسُوهُ وَ اللّٰهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»:

* در آن روز که خداوند همه آن‌ها را برمی‌انگیزد و از اعمالی که انجام دادند باخبر می‌سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه‌داشته و آن‌ها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است (سوره مبارکه مجادله، آیه شریفه ۶).

* «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ»:

* او چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آن‌چه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند (سوره مبارکه مؤمن، آیه شریفه ۱۹).

* «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ»؛

* در هر حال که باشی و هر آیه‌ای از قرآن که بخوانی و هر کاری را انجام دهی، ما شاهد و ناظر بر شما هستیم، هنگامی که در آن کار وارد می‌شوید (سوره مبارکه یونس، آیه شریفه ۶۱).

پس نخستین ناظر بر اعمال انسان، خود خداوند تبارک و تعالی است.

همچنین: در قرآن کریم به نظارت فرشتگان بر انسان اشاره شده: «مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»؛

* سخنی از خیر و شر بر زبان نیاورده جز آن که همان دم رقیب و عتید بر نوشتن آن آماده‌اند (سوره مبارکه ق، آیه شریفه ۱۸).

* «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ»

* در آن روز (قیامت)، هر انسانی وارد صحنه محشر می‌شود، درحالی که فرشته‌ای با اوست که او را به‌سوی حساب سوق می‌دهد و شاهی از فرشتگان است که بر اعمال او شهادت می‌دهد (سوره مبارکه ق، آیه شریفه ۲۱).

* «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ - كِرَامًا كَاتِبِينَ - يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ»

* و البته نگهبان‌ها بر مراقبت احوال و اعمال شما مأمورند - که آن‌ها نویسندگان اعمال شما و فرشته مقرب خداوند - شما هرچه کنید همه را می‌دانند (سوره مبارکه انفطار، آیات شریفه ۱۰ - ۱۲).

نظارت اعضا و جوارح بر انسان را فرموده:

* «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

* بترسند از روزی که زبان و دست و پایشان بر اعمال ناشایسته آن‌ها گواهی خواهد

داد (سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۲۴).

* «شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

* آن‌ها گوش و چشم‌ها و پوست بدن‌ها بر جرم و گناه آن‌ها گواهی می‌دهند (سوره مبارکه فصلت، آیه شریفه ۲۰)، درخصوص مکان و طبیعت عنوان داشتند:

* «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»؛

* در آن روز، زمین تمام خبرهای خود را بازگو می‌کند (سوره مبارکه زلزال، آیه شریفه ۴).

* «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِتُهُمْ بِمَا عَمِلُوا»

* آگاه باشید برای خداست آنچه در آسمان‌ها و زمین است. او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید و روزی که به سوی او باز می‌گردید در آن روز آن‌ها را از اعمالی که انجام دادند آگاه سازند (سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۶۴).

نظارت پیامبران و امامان بر انسان را اشاره فرمودند:

* «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً»

* پس حال آن‌ها چگونه است آن روزی که از هر امتی شاهد و گواهی بر اعمالشان می‌آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد (سوره مبارکه نساء، آیه شریفه ۴۱).

* «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً»

* همان‌گونه شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۴۳).

هدف از این نظارت دقیق، گسترده و کامل و وجود این همه ناظر و شاهد بر اعمال و رفتار و نیات انسان‌ها این است که انسان، خود را همواره در محضر خدا و سایر ناظران احساس کند و آن‌ها را شاهد و ناظر اعمال خود ببیند تا کمتر به سوی نافرمانی

خدا و زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات الهی کشیده شود.

(ب) نظارت درونی (نظارت بر خود - خودکنترلی):

یکی دیگر از انواع نظارت و کنترلی که از منابع دینی می‌توان استخراج کرد، نظارت درونی یا به اصطلاح، «خودکنترلی» است. در این نوع از کنترل و نظارت که بر جنبه درونی کنترل تأکید دارد، افراد و کارکنان سازمان بر عملکرد خود نظارت می‌کنند و آن را کنترل می‌نمایند. خودکنترلی زمانی تحقق می‌یابد که افراد در درون خود، دارای نیرویی ناظر بر کارهای خود باشند و مراقبت کنند که کارها و وظایف خود را به درستی و صادقانه و عاری از هرگونه عیب و نقص انجام دهند. شاید بتوان گفت که در مقایسه با نظارت بیرونی، خودکنترلی بهترین و کارآمدترین سازوکار برای کنترل عملکرد افراد است و اگر این سازوکار در سازمان‌ها ایجاد و تقویت گردد، کارکردی به مراتب بهتر و مؤثرتر از نظارت و کنترل‌های بیرونی خواهد داشت؛ زیرا نظارت و کنترلی که از بیرون بر افراد و عملکرد آن‌ها اعمال می‌شود در صورتی جامع و دقیق خواهد بود که این افراد از درون نیز بر خود نظارت کنند و در غیر این صورت، مواردی که از دید ناظران مخفی مانده و در حیطه نظارت بیرونی از آن غفلت شده باشد، هیچ‌گاه مورد نظارت و ارزیابی قرار نمی‌گیرد و انحرافات احتمالی آن اصلاح نخواهد شد. در منابع دینی و آموزه‌های اسلامی، تأکید فراوانی بر مسأله نظارت انسان بر اعمال و رفتار خویش و به عبارت دیگر، «خودکنترلی» شده است.

تأکید کتاب آسمانی قرآن، بیشتر بر نظارت درونی است چراکه در دیدگاه اسلام، خودسازی مقدم بر دیگرسازی است و افراد بسان خشت‌های ساختمان عظیم جامعه هستند و تا فرد ساخته نشود نمی‌توان انتظار ساخته شدن جامعه را داشت. در آیات فراوانی از قرآن کریم، به صورتی خاص به شیوه‌ها و روش‌های نظارت درونی یا نظارت بر خویشتن پرداخته شده و انسان را به صورت مستمر نسبت به مسئولیت انجام اعمال و کارهای خود در مقابل خدا و خلق خدا متوجه نموده و به گونه‌ای دائمی و حساب شده

انسان را در مسیر مراقبت الهی از لحظه‌ی تولد تا مرگ قرار می‌دهد. خداوند به نیکی راه خیر و شر را به انسان نشان داده است:

«أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ أَمَّا شَاكِرًا وَّ أَمَّا كَفُوْرًا»

«در وجود انسان برای هدایت تکوینی نفس سرزنش گر (لوامه) قرارداده (سوره مبارکه انسان، آیه شریفه ۳).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّقْدَمَتِ لَعْنٍ» (سوره مبارکه حشر، آیه شریفه ۱۸).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و هرکس بنگرد که برای فردای خود چه چیزی را از پیش فرستاده است.

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) نیز در تبیین این اصل مهم دینی می‌فرماید:

«إِجْعَلْ مِنْ نَفْسِكَ عَلَى نَفْسِكَ رَقِيْبًا»؛

«از خودت، مراقبی بر خویشتن قرار بده» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۵).

تأکید ایشان در این بیان نورانی بر این نکته است که اعمال و رفتار انسان باید همواره تحت نظارت خودش باشد و خود، عملکردش را کنترل نماید. همچنین حضرت امام سجاد (ع) نظارت درونی و خودکنترلی را عامل اصلی حرکت انسان در مسیر صحیح هدایت و تکامل دانسته و می‌فرماید:

«إِنَّ أَدَمَ إِنْكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا كَانَ لَكَ وَاعْظُ مِنْ نَفْسِكَ وَّ مَا كَانَتْ الْمُحَلُّ بِهِ مِنْ هَمِّكَ»

«ای فرزند آدم! تو همواره در مسیر خیر قرار خواهی داشت مادام که موعظه‌کننده‌ای از درون داشته باشی و حسابرسی از خویشتن از کارهای اصلی تو باشد (حرام‌عالمی، جلد ۱۶: ۹۶).

در عصر حاضر جوامع مختلف می‌کوشند تا از طرق گوناگون، خودکنترلی را در سازمان‌های خود تحقق بخشند. برخی از این جوامع بر بیدار کردن وجدان فردی اهتمام می‌ورزند و برخی دیگر می‌کوشند تا از طریق تقویت احساس ملیت خواهی، افراد را خود

کنترل سازند، اما تمامی این روش‌ها به علت نارسایی‌ها و محدودیت‌ها، تاکنون موفقیتی نداشته‌اند. عامل و انگیزه برای ایجاد خودکنترلی چیزی جز ایمان و اعتقادات دینی نیست. به‌طور کلی ارزش‌های حاکم بر انسان به‌ویژه اعتقادات و باورهای دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اعمال و رفتار او دارند.

یکی از ارزش‌هایی که از منظر اسلام نقش مؤثری در خودکنترلی افراد دارد، اعتقاد به قیامت است. اعتقاد به معاد و باور به این‌که همه اعمال ریزودرشت انسان روزی موردحسابرسی دقیق و عادلانه قرار خواهد گرفت، پشتوانه نیرومندی برای واداشتن انسان به نظارت بر عملکرد خویشتن است. کسی که به معاد و رستاخیز عظیم ایمان دارد و معتقد است که تمام اعمال او در روز قیامت موردمحاسبه قرار خواهد گرفت، در این دنیا اعمال و رفتار خود را با دقت بیشتری انجام می‌دهد و از کم‌کاری‌ها و خیانت‌ها و سهل‌انگاری‌ها درکار، پرهیز خواهد کرد. چنین شخصی چون همواره خود را در محضر خدای متعال می‌یابد و خدا و فرشتگان را ناظر بر اعمال خویش می‌داند، تلاش خواهد کرد کارهای خود را به بهترین وجه ممکن انجام دهد تا به معصیت الهی آلوده نشود و مشمول مجازات و عذاب نگردد. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این مورد می‌فرماید:

* «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَزُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْكَبَرِ»
 * قبل از این‌که شما را مورد محاسبه قرار دهند خودتان را محاسبه کنید و قبل از این‌که شما را ارزیابی کنند، خودتان را بسنجید و برای رستاخیز عظیم آماده شوید (همان: ۹۷).

اگر این اعتقاد در جامعه، به‌ویژه در سازمان‌ها، تقویت شود و همگان به آن پایبند باشند، نیاز به نظارت بیرونی و کنترل‌هایی که هزینه‌های هنگفتی نیز برای سازمان دارد، کمتر می‌شود و نتیجه به دست آمده نیز بسی بهتر و افزون‌تر خواهد شد، چرا که اولاً همه سعی می‌کنند کارهای خود را به نحو احسن و بدون عیب و نقص انجام دهند

و ثانیاً چون افراد همواره عملکرد خود را کنترل می کنند، در صورت وجود هرگونه عیب در عملکردشان به سرعت درصدد رفع آن خواهند بود.

پ) نظارت بیرونی (نظارت عمومی - همگانی):

در سیستم نظارتی اسلام، مسأله کنترل بر سازمان و عملکرد کارکنان آن، تنها در چارچوب وظایف و اختیارات مدیران و مسئولان سازمان ها خلاصه نمی شود؛ بلکه کلیه اعضای سازمان موظفاند براساس یک وظیفه شرعی بر عملکرد دیگر اعضای سازمان حتی عملکرد مدیران و مسئولان آن نظارت داشته باشند. کنترل و نظارت همگانی در آموزه های دینی تأکید فراوانی بر آن شده است. در برخی آیات و روایات، مضامینی وجود دارد که منظور از، آن نظارت و بازرسی بیرونی است که از آن به امر به معروف و نهی از منکر یاد می شود. این بخش از معارف اسلام در بحث نظارت همگانی از چنان ارزش و اهمیتی برخوردار است که در قرآن کریم در شأن و عظمت امت اسلام، به عنوان ملاک عمل قرار گرفته و آمده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»
 * شما بهترین امتی بوده اید که برای انسان ها پدیدار شده اید، [چه این که] امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید (سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۱۰).
 خداوند متعال در این آیه، امت اسلامی را به عنوان بهترین امت معرفی کرده و ویژگی بارز و مهم این امت را امر به معروف و نهی از منکر یا همان نظارت همگانی عنوان فرموده است. از عناوینی که به خوبی برحق الهی و نظارت مردم بر حاکمیت دلالت دارد، «النَّصِيحَةُ لِأَمَّةِ الْمُسْلِمِينَ» است، که در روایات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است. نصیحت و خیرخواهی برای امامان جامعه، از مصادیق بارز نظارت مردمی است. نصیحت دو وجهه دارد؛ وجهه سلبی و وجهه ایجابی. وجهه سلبی خیرخواهی برای حکومت، تشخیص آفات و کاستی ها و نقاط ضعف و فساد است و وجهه ایجابی آن، تلاش برای رشد و بالندگی نظام اسلامی است (کلینی، ۴۰۳، ج ۱). وجود اصل امر به معروف و نهی

از منکر در یک جامعه دینی پویا و با نشاط از ضروریاتی است که خداوند و راهنمایان بشر بر آن تأکید فراوانی نموده‌اند:

* «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون»

* و باید در میان شما یک امت کارش امر به معروف و نهی از منکر باشد (سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۰۴).

* «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعضی يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر»
 * مردان و زنان با ایمان بعضی ناظر و سرپرست بر بعضی دیگر هستند و همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند این آیه شریفه بیانگر نوعی نظارت همگانی است که افراد می‌توانند به یکدیگر تذکر دهند. (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۷۱).

نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) در سازمان نیز به‌عنوان یک جامعه کوچک، صادق و جاری است و در صورت وجود کنترل عمومی و نظارت همگانی در آن و احساس مسئولیت همه اعضای سازمان نسبت به عملکرد یکدیگر، نقاط قوت و ضعف سازمان و کارکنان آن روشن می‌شود و سازمان می‌تواند برای جبران ضعف‌ها و از بین بردن نارسایی‌های خود برنامه‌ریزی کند نظارت عمومی در سازمان به دو شکل و در دو زمینه می‌تواند مطرح باشد: نظارت همگانی اعضا و کارکنان سازمان بر عملکرد یکدیگر و نظارت همگانی کارکنان بر عملکرد مسئولان و مدیران که در مبحث نظارت درون سازمانی نیز تبیین شد.

سازمان «حسبه» یکی از بخش‌های تشکیلات قضایی حکومت مسلمانان بوده است. در آغاز وظیفه اصلی این سازمان که در رأس آن محتسب قرار داشت نظارت و رسیدگی به امور بازار و بازاریان بود، اما در سده سوم هجری قمری وظایف این نهاد به سرعت گسترش یافت و نه تنها رسیدگی و نظارت بر بهداشت، عبور و مرور و ساخت‌وساز شهری را شامل می‌شد بلکه مراقبت از رفتارهای اخلاقی و شرعی

شهروندان را نیز در برمی گرفت. همه نویسندگان مسلمان، ریشه و بنیاد این نهاد را فریضه امر به معروف و نهی از منکر می دانند و بر این باورند که پیدایش این سازمان در دوره های بعد به واقع، شکل نهاده شده این حکم دینی است (بادکوبه هزاوه، ۱۳۸۱: ۳۰۵).

ت) نظارت سازمانی:

در یک تقسیم بندی کلی، می توان نظارت و کنترل سازمانی را به دو نوع تقسیم کرد: (۱) نظارت آشکار و علنی (۲) نظارت مخفی و پنهانی.

۱- نظارت آشکار و علنی:

منظور از نظارت آشکار و علنی آن است که عملیات نظارت و کنترل بر عملکرد کارکنان سازمان یا اجرای برنامه های آن به صورت آشکار صورت گیرد و افراد و کارکنانی که عملکرد یا برنامه در دست اجرای آن ها کنترل می شود، از انجام آن آگاه و مطلع باشند.

این نوع نظارت را می توان به دو روش مختلف انجام داد:

۱/۱ - نظارت و کنترل مستقیم:

نظارت مستقیم آن است که مدیر سازمان بدون واسطه و به صورت مستقیم بر کار تمامی واحدها و عملکرد همه کارکنان سازمان نظارت کند و برنامه های در حال اجرا را کنترل نماید و شخصاً همه مراحل فرایند نظارت و کنترل را بپیماید. سیره مدیریتی پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد نظارت و کنترل این گونه بود که در موارد متعددی شخصاً وظیفه کنترل را برعهده می گرفت و بر عملکرد افراد نظارت می کرد که به دو مورد از آن ها اشاره می کنیم:

نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) در بازار مدینه از جنسی که فروشنده ای می فروخت خوشش آمد و قیمت آن را پرسید. خداوند از طریق وحی به پیامبر دستور داد

که دست در داخل ظرف آن کالا فرو برد. حضرت آن دستور را اجرا کرد و مشاهده فرمود که در قسمت زیرین ظرف، جنس نامرغوبی جاسازی شده است، حضرت به فروشنده فرمود: می‌بینم که خیانت به مسلمانان و گول زدن آنان را یکجا جمع کرده‌ای! (کلینی، ۱۶۱، ج ۵).

در روایت دیگری، نظیر حادثه قبلی رخ داد و پیامبر اکرم به فروشنده دستور داد که جنس خوب و بد را از هم جدا کند و بعد فرمود: در دین ما غش و گول زدن جایز نیست (هندی، ۴، ج ۹۰).

نگاهی اجمالی به سیره مدیریتی حضرت علی (ع) نیز بیانگر این نکته است که آن حضرت اهتمام خاصی به این شیوه نظارت و کنترل داشتند و همواره سعی می‌کردند تا جایی که امکان دارد، خود شخصاً بر عملکرد زیردستان نظارت داشته باشند. یکی از نمونه‌های بارز کنترل و نظارت مستقیم ایشان را می‌توان نظارت و کنترل هر روزه و همیشگی ایشان بر بازار کوفه و فروشندگان و تجار آن برشمرد. حضرت امام باقر(ع) در تبیین سیره و روش نظارتی ایشان می‌فرماید:

امیرالمؤمنین (ع) عادت داشتند که هر روز صبح به یکایک بازارهای کوفه سرزنند درحالی که تازیانه‌ای دوشاخه به نام «سیبه» به همراه داشت. در هر بازاری می‌ایستاد و با صدای بلند می‌فرمود: ای تاجران پیش از داد و ستد از خداوند خیر و نیکی بطلبید و با آسان‌گیری در معامله از خداوند برکت جویید و به خریداران نزدیک شوید (گران نفروشید تا از شما بگریزند) و خود را به زینت علم و بردباری آرایش دهید و از دروغ گفتن و قسم خوردن بپرهیزید و از ظلم و ستم کناره گیرید و با مظلومان به انصاف رفتار نمایید و به رباخواری نزدیک نشوید (مجلسی، ج ۴۱، ۱۰۴).

نظارت مستقیم و بدون واسطه مدیر، به ویژه مدیران عالی سازمان، بر واحدهای مختلف آثار مثبت و فواید و مزایای فراوانی به دنبال دارد، به ویژه آن‌گاه که بازدید مدیر از بخش‌ها و قسمت‌های مختلف سازمان و نظارت و کنترل وی بر عملکرد کارکنان،

به صورت غیرمنتظره و بدون اطلاع قبلی صورت بگیرد. این کار باعث می شود که کارکنان باتوجه و دقت بیشتری به کار و فعالیت بپردازند و از کم کاری و کاستن از کیفیت کارها بپرهیزند، چراکه اگر نظارت و بازدید مدیر به ویژه بازدیدهای غیرمنتظره او به صورت یک سنت درآمده باشد، کارکنان سازمان همواره این احتمال را خواهند داد که مدیرشان بدون اطلاع قبلی از واحد و قسمت آن ها بازدید کند و بر عملکرد کارکنان آن بخش نظارت نماید و در نتیجه، آنان با جدیت بیشتر کار خواهند کرد و بهره‌وری سازمان تا حد زیادی افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر بازدید مدیران و مسئولان از بخش های مختلف سازمان که کارکنان احساس کنند مدیران و مسئولان به آن ها توجه دارند و همین امر، دلگرمی آنان به سازمان و رضایت شغلی شان را افزایش خواهد داد.

به رغم اهمیت و فواید فراوانی که بازدید شخص مدیر از سازمان و نظارت و کنترل مستقیم وی بر عملکرد کارکنان و اجرای برنامه ها در سازمان دارد، باید توجه داشت که به خاطر گستردگی و وسعت سازمان ها و تنوع کارها و مشاغل در آن ها، مدیران و مسئولان سازمان ها هرگز قادر به انجام این شیوه از نظارت به صورت کامل و جامع نخواهند بود و چه بسا اگر مدیر بخواهد همواره و در همه بخش های سازمان با استفاده از این روش حتی در جزئی ترین مسایل تشکیلاتی شخصاً نظارت کند، از کارهای اصلی و اساسی خود غافل خواهد ماند. بنابراین مدیران در مسأله نظارت و کنترل نیز همانند دیگر مسایل و کارهای مدیریتی، باید از اصل «رعایت اهم و مهم» پیروی کنند، چراکه وقت و فرصتی که مدیر در اختیار دارد، محدود است و در صورتی که بخواهد بر تمام بخش های سازمان و عملکرد همه کارکنان آن به تنهایی نظارت داشته باشد، فرصتی برای رسیدگی به کارهای دیگر که چه بسا برخی از آن ها مهم تر هستند، پیدا نخواهد کرد.

حضرت علی (ع) می فرمایند: کسی که به کار غیرمهم مشغول شود، کار مهم تر را ضایع خواهد کرد. همچنین ایشان می فرمایند: اندیشه تو برای همه کارها گنجایش

ندارد، پس آن را برای مسایل مهم و اساسی، فارغ نگه‌دار! (تمیمی‌آمدی، غررال‌حکم و دررال‌کلم).

پس مدیر نمی‌تواند تمام وقت خود را صرف نظارت مستقیم نماید بلکه تنها می‌تواند قسمتی از وقت خود را به این کار اختصاص دهد همان‌طور که حضرت علی (ع) این‌گونه عمل می‌کرد و برای این‌که مدیر بتواند وظیفه نظارتی خود را که یکی از وظایف مهم و حیاتی اوست، به صورت مطلوب و جامع انجام دهد، باید از عوامل مختلفی که به منزله چشم‌های او هستند، استفاده کند.

۱/۲ - نظارت و کنترل غیرمستقیم:

نظارت غیرمستقیم آن است که مدیر سازمان، وظیفه نظارت را از طریق عوامل و ابزارهای مختلف انجام می‌دهد. در این روش برای اجرای عملیات نظارت، مدیر سازمان افرادی را انتخاب می‌کند یا واحد مخصوصی را مأمور می‌کند تا بر بخش‌های مختلف سازمان و برنامه‌های در حال اجرا و نیز بر عملکرد کارکنان قسمت‌های مختلف نظارت و کنترل داشته باشند و نتیجه کنترل و نظارت خود را در اختیار مدیر قرار دهند. این شیوه نظارت برای سازمان‌های امروزی کارآمدتر و اثربخش‌تر است.

سیره و روش مدیریتی امیرالمؤمنین (ع) این‌گونه بود که علاوه بر این‌که در برخی از موارد شخصاً وظیفه نظارت و کنترل را برعهده می‌گرفتند، در مواردی نیز این کار را به افراد دیگری که به آن‌ها اعتماد داشتند، واگذار می‌کردند. یکی از نمونه‌های این کار، مأمور کردن مالک بن کعب برای این کار مهم است. آن حضرت به مالک بن کعب که یکی از فرمانداران ایشان در منطقه «عین التمر» بود، نامه‌ای نوشت و به او دستور داد تا به عراق برود و بر عملکرد کارگزاران امام (ع) در آن منطقه نظارت کند و نتیجه کار خود را به اطلاع ایشان برساند. قسمتی از نامه ایشان به وی چنین است:

بر حوزه خدمت خود کسی را جانشین قرار بده و خود به همراه گروهی از یاران

تمام سرزمین عراق را منطقه به منطقه بگردید و از چگونگی رفتار و اعمال کارگزاران و مسئولان آن‌ها جويا شوید و برسيره و روش آنان نظارت داشته باشید! (قاضی یوسف، الخراج: ۱۱۸)

۲- کنترل و نظارت مخفی و پنهانی:

آنچه وجود نظارت مخفی و سری را در سازمان ضروری می‌کند و اهمیت آن را نمایان می‌سازد، آن است که اگر نظارت بر عملکرد کارکنان همواره به صورت آشکار و علنی انجام شود، از دقت و صحت لازم برخوردار نخواهد بود زیرا هنگامی که کنترل به صورت علنی و رسمی انجام می‌شود، کسانی که قرار است عملکرد آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد، ممکن است تظاهر کنند و با ظاهر سازی بخواهند ناظر و بازرس را فریب دهند. کم نیستند افرادی که کار مفیدی برای سازمان انجام نمی‌دهند و عملکرد مطلوبی ندارند، ولی همواره سعی می‌کنند با ظاهر سازی و تظاهر، خود را فردی با عملکرد خوب نشان دهند و وانمود کنند که کارهای مفید زیادی برای سازمان انجام داده‌اند. امیرالمؤمنین (ع) خطر این گونه افراد را به مالک اشتر گوشزد می‌کند:

«فان الرجال يتعرضون لفراسات الولاة بتصنعهم و حسن خدمتهم و ليس وراء ذلك من النصيحة و الامانة شيء».

«همانا افراد زرنگ راه جلب نظر و خوش بینی زمامداران را با ظاهر سازی و خوش خدمتی، خوب می‌دانند، درحالی که در ورای این ظاهر جالب و فریبنده، هیچ گونه خیرخواهی و امانتداری وجود ندارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

نگاهی به سیره مدیریتی پیامبر گرامی اسلام (ص) بیانگر این مطلب است که آن حضرت برای نظارت بر عملکرد و نحوه رفتار کارگزاران خویش، از روش نظارت مخفی نیز استفاده می‌نموده‌اند و به کار بستن این روش از جانب آن حضرت، منحصر به یک یا چند مورد نمی‌شده است، بلکه در موارد متعدد از این شیوه به منظور نظارت بر عملکرد

آنان استفاده می‌کردند. حضرت امام رضا(ع)، نظارت مخفی و سری را به‌عنوان سیره مدیریتی ایشان ذکر کرده و می‌فرمایند: «سیره و روش پیامبر گرامی اسلام (ص) این بود که هرگاه سپاهی را به مأموریت می‌فرستادند و فرماندهی برای آن تعیین می‌کردند، برخی از افراد مورد اعتماد خود را بر او می‌گماشتند تا رفتار او را زیر نظر بگیرد، برای پیامبر گرامی اسلام (ص) گزارش کند» (حرعاملی، جلد ۱۶: ۴۴).

از جمله اقدامات نظارتی پیامبر گرامی اسلام (ص)، تعیین عریف (نقیب و ناظر) برای قبایل گوناگون بود. افرادی چون جندب بن نعمان، رافع بن خدیج و ... برای نظارت بر امور قبایل و گزارش از وضعیت سیاسی و دینی آنان به مدینه مأمور شدند و حضرت در مورد بازار و امور اقتصادی نیز نظارت دقیق داشت و دستگاه نظارتی خود را با گماشتن سعید بن عاص بر بازار مکه و عمر بن خطاب بر بازار و تجارت مدینه، تقویت نمود (محمد بن جریر طبری، ۱۳۷۴: ۵۶۱).

با گسترش قلمرو اسلام و انباشت تجارب حکومتی، نظارت نیز از جنبه کمی و کیفی توسعه یافت و پیامبر گرامی اسلام (ص) از زنان نیز به‌منظور نظارت و اطلاع‌رسانی بهره جست که گماشتن «ام الشفا» بر یکی از بازارهای اسلامی گواه بر این مدعاست. علاوه بر این، سفارش فرمود: برای هر صنف [در امر نظارت] از افراد شایسته آن صنف استمداد جوئید (ناصری، ۱۳۸۱: ۵۶).

حضرت علی (ع) نیز در دوران حکومت و مدیریت خود، در زمینه نظارت و مراقبت بر کارگزاران خود بسیار دقیق و هشیارانه عمل می‌کردند. در نامه خطاب به فرماندارشان مالک بن کعب ارحبی در عین‌القمر می‌نویسند: «در حوزه خدمت، کسی را جانشین بگذار و با گروهی از یارانت بیرون برو تا به سرزمین سواد عراق بگذری و در میان دجله و عذیب درباره کارگزاران و کارکنان من پرسش و تحقیق کن و روش عملکرد آنان را نظارت و بازرسی نما.» ایشان در این نامه، همچنین سفارش می‌کنند که در نظارت و بررسی و گزارش خود، راستی را از یاد نبرد و بداند که کار بنی آدم، نزد

خدا محفوظ است و او به همه چیز آگاهی دارد (ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۳۰۲).

آن حضرت علاوه بر دستورهایی که برای نظارت و بازرسی به کارگزاران خود می‌دادند، خود نیز در دوران حکومت و مدیریت، همواره بر عملکرد و فعالیت‌های همه کارگزاران و زیردستان خویش نظارت کامل داشتند و به‌طور مستمر، عملکرد آنان را بررسی می‌کردند. نامه‌هایی که آن حضرت برای کارگزاران و عمال خود در شهرها و استان‌های گوناگون نوشته و در آن‌ها، نقاط قوت و ضعف آنان را متذکر شده‌اند گویای این مطلب است که آن حضرت همواره بازرسان و ناظران مخفی بر کارگزاران خود می‌گماشت تا کلیه رفتار و عملکرد آنان را به‌طور دقیق زیر نظر گرفته، بررسی نمایند و نتیجه این نظارت و بررسی را برای آن حضرت گزارش کنند. با دقت و تأمل در بعضی از نامه‌های حضرت علی (ع) به کارگزاران خود، روشن می‌شود که آن حضرت تنها به نظارت، بررسی‌ها و گزارش‌های بازرسان و ناظران خود، اکتفا نمی‌کردند و فقط با تکیه بر آن‌ها، عملکرد کارکنان خود را ارزیابی نمی‌نمودند، بلکه علاوه بر آن گزارشات، کارکنان خود را به حضور می‌طلبیدند و از آنان درمورد عملکرد و رفتار خودشان سؤال می‌کردند و یا این‌که از آنان گزارش کتبی می‌خواستند و بدین وسیله، عملکرد آن‌ها را از خودشان نیز تحقیق می‌کردند. این نشانگر نهایت دقت و احتیاط و کمال عدالت و انصاف است که آن حضرت هنگام نظارت و بازرسی بر عملکرد کارگزارانش رعایت می‌کرد (خدمتی، ۱۳۷۸: ۴۷).

در نتیجه این نظارت‌ها، افرادی چون ابن عباس، زیاد بن ابیه و قاضیانی چون والیان و شریح، شهرداران و فرماندهان نظامی مانند علی بن اصرم والی «بارجاه»، شهردار اهواز، اشعث بن قیس والی آذربایجان، عثمان بن حنیف والی بصره، قدامه بن عجلان کارگزار کسکر (منطقه‌ای بین بصره و کوفه)، معقله بن هبیره، مغذربن جارود و غیره همه مشمول واکنش قاطع و بدون ملاحظه ایشان در برابر خیانت و فسادهای مالی، سیاسی،

اداری، قضایی، نظامی و ثروت های بادآورده گردیدند. در نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر آن زمان که ایشان را به فرمانداری مصر اعزام نمودند، نکات بسیاری در زمینه مسایل نظارتی به چشم می خورد که همگی دلیل بر لزوم وجود نظارت در امور اداری و حکومتی است. این فرازاها در واقع بخش اندکی از تذکرات بسیار آن حضرت درباره لزوم نظارت و تقویت چشم نظارتی نمایندگان در بلاد اسلامی تشکیل می دهد که تحت نظر بودن کارگزاران دولتی را بدون استثنا یادآور می شود و افکار و اندیشه های آنان را برای نظارت پذیری، راست اندیشی، درست کرداری و پاسخ گویی مهیا می سازد.

حضرت علی (ع) نیز در زمان حکومت خویش بر جامعه اسلامی همواره رفتار کارگزاران و عمال خود را در نقاط مختلف کشور پهناور اسلامی آن زمان، به صورت پنهانی و مخفیانه زیر نظر داشته و برای انجام این کار به نقاط مختلف تحت حکومت و مدیریت خود مأمورانی را به صورت ناشناس و مخفیانه می فرستاد تا بر اعمال و رفتار کارگزاران آن حضرت به طور دقیق نظارت کنند و گزارش کارهایشان را به اطلاع امام (ع) برسانند. ایشان در نامه ای به یکی از کارگزاران خود می فرمایند:

«فان عینی بالمغرب کتب الی یعلمنی...»

«همانا مأمور مخفی من در سرزمین شام، برای من نامه ای نوشته و به من خبر داده است که... (نهج البلاغه، نامه ۳۳).

این نامه به وضوح، نمایانگر این مطلب است که امیرمؤمنان در منطقه شام، به عده ای مأموریت داده بود که به صورت مخفیانه اخبار و اطلاعات مربوط به آنجا را خدمت آن حضرت گزارش کنند.

دقت در نامه هایی که ایشان به کارگزاران و عمال خود در مناطق مختلف نوشته است، بیانگر این حقیقت است که امام (ع) همواره عده ای را به عنوان ناظر و مأمور مخفی و سری خود معین می کرده تا آن ها بر عملکرد کارگزاران حضرت و مسئولان مختلف حکومتی، کنترل و نظارت کنند و نتیجه این کار خود را به ایشان گزارش کنند.

به عنوان مثال، ایشان در ابتدای نامه‌های خود به عده زیادی از کارگزاران خود می‌نویسند:

«بلغنی عنک...»

* یعنی در مورد تو این گونه به من گزارش رسیده است، (همان، نامه ۶۳، ۴۰، ۷۱ و ۴۳).
«رقی الی عنک.»

* یعنی در مورد شما به من خبر رسیده است (همان، نامه ۷۱).

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) علاوه بر این که خود بر عملکرد کارگزاران خویش نظارت و کنترل داشت، به کارگزاران خود نیز دستور می‌داد تا بر عملکرد و نحوه رفتار زيردستان خودشان نظارت مخفیانه داشته باشند. مثلاً به مالک اشتر این گونه دستور می‌دهد:

«ثم تفقد اعمالهم و ابث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم».

* سپس با گماشتن مأموران مخفی راستگو و باوفا، کارهای آنان را بررسی کن! (همان، نامه ۵۳).

«عیون» که جمع کلمه «عین» است بر ناظر پنهانی و مأمور اطلاعاتی اطلاق می‌گردد.

نظارت و کنترل پنهانی و مخفی، آثار مثبت و فواید متعددی دارد که به دو مورد از آن‌ها، در بیان نورانی امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) اشاره شده است. امام (ع) بعد از آن که به مالک سفارش می‌کند که همواره مأموران مخفی داشته باشد، در مورد آثار آن می‌فرماید:

«فان تعاھدک فی السر حدوة لهم علی استعمال الامانة و الرفق بالریعة.»

* نظارت پنهانی و سری تو، موجب ترغیب و تشویق آنان (کارکنان) به امانت‌داری و مدارا با مردم می‌شود (همان).

فصل دوم: امنیت در شریعت اسلام:

بخش یکم - مفهوم شناسی اصطلاحات مرتبط با امنیت

الف - معانی لغوی امنیت^۱:

ریشه امنیت در لغت از «امن»، «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» است که به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است (فرهنگ لغت دهخدا). واژه‌ی امنیت به معنی در امان بودن، آرامش و آسودگی و کلمه امن به معنی بی‌بیم شدن، بی‌ترس، آسایش، آرامش قلب و ضدخوف آمده است (عمید، ۱۳۷۴). فرهنگ لغت لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که براساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود فقدان مخاطرات. فرهنگ لغت معین، امنیت را چنین تعریف می‌کند «ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی» فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، امنیت را چنین تعریف می‌کند: بی‌خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، در امان نگهداشتن، با اطمینان کردن (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۲)

اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است. امن، امانت و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وضعی اطلاق می‌شود که انسان در آرامش باشد. امنیت گاهی نیز بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانت‌دار و امین است (اصفهانی راغب، ۱۳۷۵: ۲۱). این واژه در زبان عربی از ریشه عربی «أَمَنَ» آمده است. از این ریشه در گذشته، کلمه «امنیه» برای سرباز و مأمور حفظ نظم و آرامش در راه‌ها و خارج از شهر اخذ شده بود.

ب- تعاریف اصطلاحی یا مفهومی امنیت از دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان ایرانی و اسلامی:

امنیت از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره، نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردند و امنیت مفهومی است شامل تمام ابعاد که در بسیاری از موارد از طریق مفهوم تهدید، تعریف و تفهیم می شود. امنیت توانمندی تولید فرصت ها و مهار تهدیدات است. یا امنیت عبارت است از حفظ جان، دین، ناموس، مال، منافع ملی، استقلال و تمامیت اراضی در مقابل تهدیدات. جزایری نیز معتقد است امنیت یکی از نیازهای ضروری انسان است که قبلاً به امنیت نظامی محدود می شد لکن امروزه به معنای لغتی آن بیشتر نزدیک شده است و مفهوم وسیع تری دارد و به معنی اطمینان داشتن نسبت به محفوظ ماندن ارزش های موجود و آسایش از تهدیدات و از میان رفتن ارزش ها است (شریعتمدار جزایری، ۱۳۷۹: ۱۲-۵).

امنیت یعنی مجموعه سلامتی در احاد یک جامعه (علوی فر، ۱۳۸۵: ۱۹).

«احمدی» معتقد است؛ اندیشه توحیدی هر نعمتی را از خدا می داند و امنیت نیز چنین است و امنیت بدون اذن الهی شکل نمی گیرد و تنها پناهگاه و پشتیبان خدای متعال است و اسباب ظاهری وسیله الهی هستند که به اذن الله امنیت را مستقر می کنند. لذا اگر کسی به غیر خدا پناه ببرد، امنیت نخواهد داشت لذا مهم ترین منبع تأمین امنیت خداوند متعال می باشد (احمدی، حمید، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۴۳).

از دید اسلام امنیت یکی از اصول زندگی فردی و جمعی است و با مذاقه در عبارات؛ ایمان، امانت، کعبه، شهر امن، نوید امنیت در آخرت، احساس امنیت، رهایی از گرسنگی و ترس، اسلام امنیت آور است، عهد و میثاق با خدا که موجب امنیت است و پیامبر که وسیله امنیت است در فرهنگ اسلام و آیات و روایات می توان آن را درک نمود (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱۳۵-۱۳۴).

یکی از اهداف اصلی آیت الله جوادی آملی در همه مباحث علمی اعم از مباحث

عرفانی، فلسفی، اخلاقی، کلامی و فقهی این است که انسان و جامعه انسانی به امنیت حقیقی که ناظر به بقای ابدی انسان است، برسد بر همین اساس، گستره مباحث امنیتی در آثار ایشان بسیار وسیع است از فلسفه امنیت تا فقه امنیت، از مدیریت مسایل امنیتی تا اخلاق امنیت و از مباحث امنیتی در قرآن تا نگاه عرفانی به امنیت. ایشان معتقد است براساس آیه شریفه ۸۲ سوره مبارکه انعام مؤمنانی که به گناه آلوده نشده‌اند، در سایه امنیت مطلق هستند این‌ها در قیامت نیز در حریم افق الهی به سر می‌برند این گروه هم در دنیا در امان هستند و ترس و حزن ندارند و هم در آخرت از امنیت بهره‌مندند (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۲۱)

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) امنیت روحی که از طریق سازندگی روحی ایجاد می‌شود مقدم بر همه امنیت‌هاست. ابزار تأمین امنیت مذکور این است که هرانسانی با شیطان باطنی خود جهاد کند این جهاد، منشأ همه جهادهایی است که مولد سطوح و لایه‌های امنیتی بعدی واقع می‌شود انسان تا خودش را نسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند کشور ساخته نمی‌شود. ایشان امنیت اسلامی را دارای سه شاخص می‌دانند: نخست این که، انسان به لحاظ تربیت عقلی، معتقدِ موحدِ مؤمن معتقد به قیامت و پیرو دستورات رهبران الهی شود. دوم این که: به لحاظ اخلاقی، آراسته به فضائل و جنود عقل گردد و از جنود جهل پرهیز کند و سوم این که: به لحاظ رفتاری، مقید به شریعت باشد (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۵-۸). اندیشه امنیتی امام خمینی (ره) مرجعیت رژیم، جامعه و دولت را حکایت می‌کند که با همدیگر رابطه‌ای تعاملی دارند. اما از نظر مراتبی، مرجع جامعه با احتمال بر دو مؤلفه دین و مردم بر دو مرجع دیگر یعنی دولت و رژیم ارجحیت یافته و با آن دو، رابطه‌ای غایی-آلی برقرار می‌کند. در این منطق؛ جامعه منسجم، دین باور، اصیل، با هویت و رضایتمند، ضامن امنیت خود، دولت و رژیم شناخته می‌شود و امنیت رژیم نیز در گرو پاسداری همه جانبه از تعالیم عالیه اسلام و تحقق رضایتمندی مردم است (کریمی مله، ۱۳۸۴: ۷۸۴)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در خصوص امنیت می‌فرمایند که امنیت برای یک ملت جزو اساسی‌ترین نیازهاست اگر امنیت بود، پیشرفت به وجود می‌آید، علم رشد می‌کند، اقتصاد شکوفایی پیدا می‌کند، سازندگی کشور امکان پیدا می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضاییه، مورخه ۱۳۹۰/۰۴/۰۵) جمهوری اسلامی، هم برای خود، هم برای دیگران امنیت را بزرگ‌ترین نعمت الهی می‌داند و برای حفظ امنیت خود می‌ایستد و دفاع می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، مورخه ۱۳۹۴/۰۱/۳۰) در قرآن کریم، خدای متعال در سوره فتح مسلمانان را برای پیغمبر و برای مردم، به صورت یک نعمت بزرگ معرفی می‌کند و نزول سکنه الهی را بر جامعه اسلامی ذکر می‌کند. سکنه یعنی آرامش، یعنی اطمینان، یعنی آن طمأنینه‌ای که وجود دارد. یک وقت در میان یک ملتی تلاطم است، آرامش وجود ندارد؛ همه نسبت به هم بدبین، همه نسبت به یکدیگر ستیزه‌گر؛ دستگاه‌های حاکم در مقابل مردم، مردم در مقابل دستگاه‌های حاکم؛ یک چنین کشوری که دارای امنیت نباشد، نمی‌تواند نه در علم، نه در اقتصاد، نه در صنعت، نه در عزت ملی، خودش را به پیش و جلو بکشد؛ اما وقتی استقرار و امنیت و آرامش در یک کشور بود، ملت فرصت پیدا می‌کند که آمادگی‌های خود را، استعداد‌های خود را بروز دهد (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در اجتماع مردم شیروان، مورخه ۱۳۹۱/۰۴/۰۵)

پ - جایگاه و مفهوم امنیت

امنیت با تعریف مفهوم مخالف یعنی ناامنی و بیان شاخص‌های وضعیت فقدان امنیت نیز قابل تقریب به ذهن است. امنیت از آن گروه مفاهیمی است که به‌رغم ادراک‌پذیری به‌عنوان یک نیاز عمومی تاکنون در میان نخبگان سیاسی و امنیتی تعریف یکسانی از آن به‌عمل نیامده است، لذا تعاریف متعددی از مفهوم امنیت به‌عمل آمده که ناشی از رویکرد مکاتب مختلف امنیتی است. ارایه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و

تحقیق درخصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادهاست. غلامرضا خوش فر درمورد امنیت چنین می‌گوید: امنیت در اصل پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولتمردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به‌وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش فر، ۱۳۷۹: ۹۶)

باتوجه به تعاریف متعددی که درمورد امنیت وجود دارد می‌توان دریافت که امنیت مفهومی چند وجهی است به همین دلیل درباره آن تفاهم عام و قطعی وجود ندارد. تعاریف مذکور عمدتاً بر احساس فارغ بودن از ترس یا احساس ایمنی که با امنیت مادی و روانی متناظر است، تأکید ورزیده‌اند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴۱)

یکی از اختلافات مهم درخصوص مفهوم امنیت که موجب متمایز شدن رویکردهای امنیتی شده ناشی از نگرش مثبت و منفی به امنیت می‌باشد. دو رویکرد مهم در این راستا قابل تمیز می‌باشد. یکی رویکرد سلبی و که امنیت را به نبود تهدید تعبیر می‌کنند و ذات بشر را بد می‌داند و بر هرج و مرج گونه بودن نظام بین‌الملل تأکید می‌کنند. آن‌ها تقویت امنیت را تنها با افزایش قدرت نظامی ممکن می‌دانند و دیگری رویکرد ایجابی که امنیت را امر ایجابی و ناشی از رضایت و احساس آرامش و کاهش فاصله بین خواسته و داشته می‌دانند. در این رویکرد، ذات بشر خوب و صلح‌طلب تلقی شده و طبیعت نظام بین‌الملل را مبتنی بر صلح و آرامش می‌دانند. از نظر آن‌ها تقویت امنیت با ایجاد رضایت بیشتر و کاهش فاصله بین خواسته و داشته میسر می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۶۰-۱۲۰)

گفتمان سلبی امنیت، یک گفتمان تهدیدمحور و برون‌نگر است که منشاء تهدید را خارجی می‌داند. این نگاه بر جنبه سخت افزاری امنیت تأکید داشته و امنیت را تا حد تهدید تنزل می‌دهد. نگاه سلبی هم‌چنین یک نگاه تراکمی است. بدین معنا که با پیشرفت زمان، هربار نوع جدیدی از تهدیدات شکل می‌گیرند بی‌آنکه اثر جایگزینی با

تهدیدات قبلی داشته باشند لذا وجه سلبی امنیت مرحله ابتدایی استقرار امنیت بوده و تا استقرار کامل امنیت، باید کارهای عدیده دیگری مثل پیش‌بینی تهدیدات بالقوه، درک آسیب‌شناسی‌های موجود و افزایش توانمندی در مقابل تهدیدات احتمالی انجام شود. زیرا ممکن است کشوری با تهدید خارجی مواجه نباشد ولی تصمیم‌سازان همیشه نگران باشند که در شرایط وقوع تهدید، آیا توان مقابله و پاسخ‌گویی به تهدید را دارند یا نه؟ همچنین نگاه ایجابی صرف به امنیت، باعث عدم توجه به تهدیدات بالقوه، آسیب‌های بالقوه و بالفعل موجود و به نوعی خوش‌باوری در تصمیم‌گیرندگان کشور شده و کشور را مواجه با غافلگیری می‌نماید (مرادیان، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۳) واژه تهدید در این تعریف از امنیت به عنوان واژه اساسی مطرح است چرا که امنیت با نبود آن فهم می‌شود و به همین دلیل این گفتمان سلبی^۱ نامگذاری شده است (افتخاری، ۱۳۹۰: ۸۳) در سال‌های دهه ۱۹۹۰ این دیدگاه مطرح شد که ملاحظات سنتی امنیت نمی‌توانند پاسخ‌گوی تحولات جامعه باشند. در نتیجه گفتمان ایجابی^۲ مطرح گردید. از دیدگاه ایجابی، امنیت خارجی تنها به معنای فقدان تهدید خارجی نیست. البته این گفتمان به تهدید توجه دارد، اما معتقد است که نبود تهدید، شرط لازم امنیت خارجی است اما شرط کافی نیست. این نگاه نافی تهدیدات خارجی نیست. بلکه معتقد است زمینه‌های درونی، باعث بروز تهدیدات خارجی می‌شوند.

تهدیدات از نگاه ایجابی از جنس نرم افزاری و مجازی‌اند. لذا با تصویرسازی می‌توان معادلات تهدید را به هم زد. این بزرگ‌ترین تحولی است که در نگاه به تهدید رخ داده است. در نگاه ایجابی، ابعاد تهدید افزایش می‌یابد. این روایت جدید از تهدید، نوع جدیدی از مدیریت را نیز به همراه خواهد آورد. بنابراین امنیت ایجابی وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب

1- Negative Discourse

2- Positive discorce

ایدئولوژیک (آن واحد) تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌نماید چنان که ملاحظه می‌شود امنیت در این معنا به رضایت (و نه قدرت سخت‌افزاری) تقلیل می‌یابد (همان، ۸۴).

بخش دوم - امنیت در قرآن، سنت و روایات معصومین (علیهم السلام):

امنیت از موضوعات حائز اهمیتی است که در قرآن و روایات معصومین به گستردگی به آن اشاره شده است به طوری که کلمات با ریشه امن حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی بوده است و همچنین کلماتی با بار معنایی مشابه مانند سکینه ۳ بار، سلام ۳۳ بار و سلاماً ۹ بار در قرآن به کار رفته است.

پیوند عبارت امنیت با نفس کلمه اسلام، ایمان و مؤمن، حاکی از اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت در اسلام است. هر حکومت و جامعه‌ای برای تحقق اهداف خود نیازمند ایمنی از تهدیدات است و حکومت اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در نظام سیاسی اسلام، اعتقاد بر این است که حکومت اسلامی آئینه تمام‌نمای امنیت و تجلی‌بخش حوزه‌های مختلف امنیتی است. امنیت در اسلام، مایه قوام و حیات جامعه است. بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه اسلامی است. قرآن کریم اولین منبع احکام اسلامی است و در خصوص امنیت سخت و نرم به بیان مطالبی می‌پردازد:

الف) امنیت سخت (سلبی) از منظر قرآن کریم:

در قرآن آمادگی و مهیا بودن برای جنگ، جهاد و استفاده از تجهیزات دفاعی بسیار توصیه شده است در این راه هرچه مسلمانان هزینه کنند، ضرر نخواهند کرد و خداوند متعال عوض آن را جبران خواهد کرد. آیات بسیاری از منظر قرآن کریم به صراحت و یا

به‌طور غیرمستقیم به لزوم علم، آگاهی و کسب اطلاعات از اکناف و اطراف و امور مربوطه به اطرافیان و نیز دفاع و حفاظت درمقابل تهدیدات دشمنان اشاره و تأکید می‌دارد که برخی از آن به شرح زیر می‌باشد:

«یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثباتاً و انفروا جمیعاً»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در گروه‌های متعدد، یا به‌صورت یک گروه (طبق شرایط موجود به سمت دشمن) حرکت نمایید.» (سوره مبارکه نساء آیه شریفه ۷۱)

در تفسیر کلمه حذر دو احتمال داده شده است:

۱. حِذْر: مایحذر به و هوآله الحذر کالسلاح و «حذر» احتراز عن مخیف.^۱
یعنی: حِذْر: چیزی است که با آن خطر را دفع می‌کنند و وسیله تأمین امنیت است مانند سلاح و حذر: پرهیز نمودن از هر چیز خطرناک است.

۲. الحذر والحِذْر به معنی کالآثر و الإثر یقال: أخذ حذرهُ اذا تیقظ و احترز من الخوف کانه جعل الحذر التّه آلتی یقی بها نفسه و یعصم بها روحه و المعنی و احترزوا من العدو ولا تمکنوه من أنفسکم.^۲

یعنی: حِذْر و حِذْر: دارای یک معنی هستند مانند آثر و اثر، گفته می‌شود: أَخَذَ حِذْرَهُ، وقتی که شخص هوشیار بوده و از خطر بپرهیزد، مثل این‌که در این‌گونه موارد حذر، وسیله پرهیز و احتیاط قرار داده شده است. وسیله‌ای که شخص به‌وسیله آن جسم، روحش را از خطرات حفظ می‌کند.

در لسان‌العرب می‌گوید: الْحَذْر و الْحِذْر: الخیفه (هر دو تعبیر به معنای ترس است) پس معنای آیه این است که از دشمن بپرهیزید و او را بر خودتان راه ندهید.

۱- المیزان و المفردات راغب

۲- کشاف، ج ۱، ص ۵۳۲: مجمع البیان در «اللغه»: تفسیر قرطبی؛ ج ۵، ص ۲۷۳؛ بیضاوی ص ۱۴۴، و فخر رازی کلام کشاف را آورده و اقوال را نقل می‌کند.

در تفسیر آیه، مطابق دو قولی که در معنای جذر آمده دو نظریه اظهار شده است:

۱. امر به این که اسلحه‌هایتان را برداشته و عازم جبهه‌ها شوید.

۲. همواره بیدار و محتاط باشید تا غافلگیر نشوید.^۱

استاد بزرگوار علامه طباطبائی - رحمه‌الله تعالی علیه - می‌فرماید:

این آیات - که مؤمنین را به جهاد ترغیب و تشویق می‌کند در زمانی نازل شد که مسلمانان تحت فشار بسیار شدید مشرکین بودند - مانند ذی‌المقدمه نسبت به آیات قبلی است و گویا این زمان در اوایل (ربع دوم) اقامت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله در مدینه بوده که اعراب از هر طرف علیه مسلمانان هجوم آورده بودند تا نور خدا را خاموش ساخته و بنیان رفیع دین را ویران کنند لذا رسول خدا صلی‌الله علیه و آله مرتباً با مشرکین قریش و طاغوت‌های عرب درگیر بوده و جنگ می‌کرد و به اطراف و اکناف جزیره‌العرب لشکر می‌فرستاد و پایه‌های دین را همواره در میان مؤمنین استحکام بخشیده و بالا می‌برد و منافقین هم که در میان مسلمانان بودند برای خود قوت و قدرتی داشتند؛ در روز احد معلوم گردید که جمعیت آنان از نصف جمعیت مسلمانان خیلی کمتر نیست و اینان همواره در مقابل کارهای رسول خدا صلی‌الله علیه و آله ایجاد مانع می‌کرده و منتظر فرصت بودند، که ضربه بزنند و مؤمنین را با توسل به انواع تبلیغات و حيله‌ها از رفتن به جنگ باز می‌داشتند، عده‌ای از مسلمانان هم که قلبشان مریض بود، به حرف آنان گوش داده و از گفتار آن‌ها تبعیت می‌کردند و یهودیان نیز در اطراف، فتنه‌انگیزی کرده و با مسلمانان می‌جنگیدند.

عرب مدینه هم نسبت به یهودیان احترام گذاشته و از دیر زمان برای آنان اهمیت قائل بودند ولی یهودیان در میان اعراب علیه مسلمانان و اسلام تبلیغ می‌کردند، و برای ازبین بردن ایمان خالص مسلمانان، دروغ و شایعه ساخته و احادیث گمراه‌کننده‌ای جعل

۱- این دو احتمال را اکثر مفسرین نقل کرده‌اند، رجوع شود به تبیان، ج ۳، ص ۲۵۳؛ مجمع البیان، ج ۳ ص ۷۳؛ المیزان، ج ۴ ص ۴۱۵، فخر رازی، ج ۱، ص ۱۷۶؛ طبری، ج ۵، ص ۱۰۴

کرده و همچنین مشرکان را علیه مسلمانان تشجیع می نمودند. گویا آیات قبلی، کید و مکر یهودیان را ابطال کرده و جلوی تبلیغات آن‌ها را می گیرد و این آیات که از منافقین سخن می گوید، در حکم تکمیل راهنمایی و ارشاد مسلمانان است و آن‌ها را با اوضاع زمان حاضر خود آشنا می کند تا صاحب بصیرت شوند و از مرضی که در ضمیرشان نفوذ کرده در امان بمانند از این رو می فرماید: یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم.

به هر حال آیه مبارکه، مسلمانان را بر حذر (احتیاط و آمادگی) امر می کند که فریب تبلیغات منافقین و یهودیان را نخورند و آگاهانه، مبارزه خود را ادامه دهند و در هنگام حمله، باز در حذر باشند و از دشمن: عددشان، نقشه های جنگی و تصمیماتشان، کمین، حيله ها، دسیسه ها و اسلحه و مهماتشان آگاه شوند و از جمله حذرشان یکی هم برداشتن اسلحه است. پس درحقیقت معنای اول، از مصادیق معنای دوم است و میان دو معنی تنافی نیست. بالاخره خداوند سبحان، مسلمانان را به طور کلی به حذر امر می فرماید: و سپس حرکت به سوی جبهه ها را دسته به دسته و یا دسته جمعی برآن مترتب می سازد.

حذر و حذر عبارت است از بیدار بودن و آماده شدن برای مواجهه با دشمن، و آماده شدن به این است که از حال دشمن آگاه باشد و مقدار استعداد جنگی و نیرو او را بفهمد و اگر دشمن متعدد باشد، روابط میان آنان را نیز به دست آورد که آیا با هم ارتباط و اتحاد دارند یا نه؟ تا وسایل و ابزار جنگی، برای مقابله با هجوم آنان را تهیه و آماده سازد. این سه موضوع باید مدّ نظر قرار گیرد؛ زیرا اگر دشمن، مسلمانان را غافلگیر کند، برآن‌ها هجوم می آورد؛ و اگر هم الان هجوم نکند، دائماً آن‌ها را تهدید خواهد کرد و اگر مسلمانان در اثر قوّت اسلام در داخل کشور تهدید نشوند، در مرزها و سرحدات در امان نخواهند بود و اگر خواستند در مرزها استحکاماتی به وجود آورده و یا مراسم مذهبی انجام دهند، حتماً دشمن متعرض آن‌ها خواهند شد و اگر مسافرت خارجی بر ایشان پیش آید، جان و مال و ناموسشان در خطر خواهد بود و آیه خذوا حذرکم شامل همه

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ»

«و شما در مقام مبارزه با آن‌ها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید، از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خداوند و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و خدا به آن‌ها آگاهست نیز مهیا باشید و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید، خدا تمام به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد» (سوره مبارکه انفال آیه شریفه ۶۰)

شایسته است که متفکران و صاحبان درایت و فهم، فکر کنند تا مقدمات امثال امر در این آیه کریمه را فراهم آورده و درجهت تهیه و آماده شدن (که در معنی آیه شریفه و در کلمه حذر داخل است) گام بردارند از قبیل: آموزش نظامی، شناختن و تهیه سلاح‌های مختلف (و مناسب با وضع جغرافیایی) و نحوه‌ی کاربرد آن‌ها و اگر شناخت و استعمال این سلاح‌ها موقوف به فراگیری علوم از قبیل علم شیمی، فیزیک، هندسه و ... باشد، یادگرفتن آن هم لازم خواهد بود که این شرایط موجود در عصر حاضر، اقتضای فراگیری همه این علوم را دارد؛ زیرا خداوند متعال حذر را در تمام انواع آن واجب کرده است. (همان: ۲۲)

کلمه اعداد به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری [به برقراری و ایجاد امنیت و تأمین آن] که دارد، برسد که اگر قبلاً آن را تهیه نکرده بود، به مطلوب خود نمی‌رسید. مانند تهیه آتش برای پختن غذا و کلمه قوه به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع [تأمین امنیت] با آن امکان‌پذیر است (امیدی خواه، ۱۳۸۳: ۱۱ و ۱۰)

«فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»

* «پس هر کس بر شما ستم کرد شما هم به همان اندازه که بر شما ستم روا داشته بر آنان ستم کنید و نسبت به ستم بیش از آن از خدا بترسید» (سوره مبارکه بقره آیه شریفه ۱۹۴)

این آیه شریفه یک دستور کلی و عمومی صادر می‌کند که مقابله به مثل وظیفه هر فرد مسلمان است و به همه کس اجازه داده شده که در مقابل ستمگر پیاخیزد و به همان اندازه که به او تجاوز شده پاسخ گوید. این کار طبق قوانین آفرینش است حتی سلول‌های بدن در مقابل میکروب‌های مهاجم می‌ایستند و از تعدی و تجاوز آن‌ها به کشور تن جلوگیری می‌کنند. نباتات هم از همین قانون طبیعی و تکوینی استفاده کرده و در برابر حوادث، در مقابل طوفان‌ها و در مقابل مهاجمان گوناگون استقامت به خرج می‌دهند و هجوم حوادث را از بین می‌برند (همان: ۱۳)

* «و قاتلو هم حتی لاتکون فتنه و یکون الذین لله فین انتھوا فلاعدوان الا علی الظالمین»

* «و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آیین دین خدا باشد» (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۹۳)

در این آیه شریفه مشخص می‌گردد که قرآن کریم، تأمین امنیت را از اهداف جهاد می‌داند.

ب) امنیت نرم (ایجابی) از منظر قرآن:

خداوند متعال در قرآن کریم به کسانی که به خدای یگانه اعتقاد داشته و خداپرستی را پیشه خود کرده‌اند و در همه مصائب و مشکلات به او اتکا دارند، وعده آرامش خاطر و تقویت توان در برخورد با مشکلات را داده و این اعتقاد را زمینه‌ساز احساس و ایجاد امنیت دانسته است در مجموع در گفتمان قرآن کریم امنیت نرم از اولویت و گستردگی کاربردی فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد و اصولاً سیاست اسلامی بر مبنای منابع

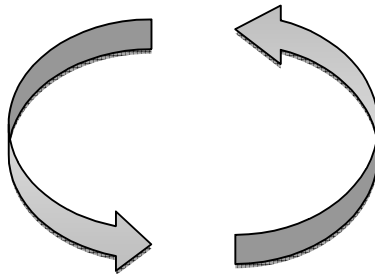
نرم‌افزاری و نرم است.

برخی از آیات مبتنی بر این نوع امنیت که در قرآن بدان اشاره و تأکید شده است عبارت‌اند از:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾. (سوره مبارکه نور آیه شریفه ۵۵)

﴿پاداش کسانی که ایمان آورده و بر عمل صالح‌اند آن است که خدا ایشان را از ترس رهایی بخشیده و احساس ایمنی به آن‌ها ارزانی می‌دارد﴾

مطابق تصریح الهی رابطه بین «ایمان – ایمنی» به صورت دوره‌ای (سیکلی) است؛ بدین معنا که گام نهادن در طریق الهی و ایمان آوردن، به ایمنی فرد و جامعه منجر می‌شود و در نتیجه آن مؤمنان از ترس رهایی می‌یابند؛ باشد تا از این طریق ایمانی بیشتر و بهتر را تجربه نمایند و از کفر دور شوند. معنای این تفسیر از «ایمنی» فهم آن با «ایمان» (به عنوان نقطه شروع و پایان) است و این که این حالت به صورت مستمر تکرار می‌شود (نمودار ۱-۱). به همین خاطر است که هم ایمان و هم ایمنی در نگرش اسلامی دو موضوع بی‌انتها ارزیابی می‌شوند که پیوسته باید در فکر نو نمودن و تکمیل آن‌ها بود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۱۶)



نمودار شماره ۱-۱: رابطه دوره‌ای ایمان و ایمنی در رویکرد اسلامی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و در ذیل آیه شریفه مذکور، به موضوعی مهم اشاره دارد که در درک امنیتی از این آیه شریفه کمک می‌نماید. ایشان بر واژه «لِيُؤْمِنَنَّ» تأکید نموده و اظهار داشته‌اند: تمکین برقراری چیزی است که به گونه‌ای از استواری لازم برخوردار باشد و به اصطلاح برقرار گردد. این فعل کنایه از اثبات و عدم زوال است که نافی اضطراب و تزلزل می‌باشد. اما جمله «لِيُؤْمِنَنَّ» من بعد خوفهم امنا» مانند «لیمکنن لهم»، عطف است به «لیستخلفنهم» و در نتیجه می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان در ترس است ولی به واسطه اراده و اقدام الهی، خوف و امنیّت را تجربه خواهد نمود (طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۵۴-۱۵۳).

* «فَلْيُعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (سوره مبارکه قریش آیات شریفه ۳ و ۴)

* «پس پروردگار این خانه را، پرستش و عبادت کنید. همان کس که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت»

* «وَ أَمَرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (سوره مبارکه شورا آیه شریفه ۳۸)

* «و امورشان با مشورت در میان آن‌ها انجام می‌گیرد» (نشان از مشارکت است)

در این آیه شریفه، جلب مشارکت عمومی به‌عنوان سازوکار تولید امنیّت نرم، از ناحیه التزام و حمایت مشارکت‌کنندگان دانسته شده است.

قرآن، امنیّت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد و در این باره می‌فرماید:

* «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُعْذِبَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

* «خدا به کسانی که از شما بندگان (به خدا و حجت عصر "عج") ایمان آورد و نیکوکار

گردد وعده فرمود که در زمین خلافت دهد، چنانکه امم صالح پیامبران سلف، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند» (سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۵۵).

احساس امنیت را نیز از خصایص مؤمن معرفی می‌کند:

«هوَالَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ...»

«اوست خدایی که سکینت و وقار بردل‌های مؤمنان آورد» (سوره مبارکه فتح، آیه شریفه ۴).

همچنین مداهنه با دشمن و روح سازش را منافی با امنیت می‌داند.

«فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِبِينَ - وَ دُوا لَوْ تَدْهِنُ فَيَدْهِنُونَ»

«پس تو (و امت ای رسول) هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می‌کنند، پیروی مکن. کافران بسیار مایل‌اند که تو با آن‌ها مداهنه و مدارا کنی (و معترض بت‌هایشان نشوی) تا آن‌ها هم به نفاق با تو مدارا کنند» (سوره مبارکه قلم، آیات شریفه ۸ و ۹).

و شهری که در آن امنیت باشد، از مثل‌های الگوهای قرآنی است:

«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ أَمْنَةً مَطْمَئِنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمَ اللَّهُ فَإِذَا قَمَحُوا اللَّهَ لِبَاسِ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»

«و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد (تا گوش کرده و عبرت گیرید) مثل شهری را (چون شهر مکه) که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلس در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هرجانب، روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید» (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۱۱۲).

اصولاً اسلام هرنوع ایجاد وحشت و هراس را در درون انسان‌هایی که مرتکب

خلافی نشده‌اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند. امنیت جان و مال و عمل و حقوق و آزادی‌های مربوطه، شخصیت و شرف و حیثیت و مسکن، از تأکیدات اسلام است، ضمن این که امنیت در اسلام، اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلافی نشده و در مسیر انجام وظیفه‌اند و در مقام احترام به قانون هستند. و اما آن‌ها که در مسیر خلاف‌اند و یا مرتکب بزه و جرم شده‌اند، به دلیل ماهیت عملکردشان، از حق امنیت محروم‌اند: «آنان که ایمان به خدا آورده و ایمان خود را به ظلم و ستم نیالودند، در دو عالم ایمنی آن‌ها راست» (سوره مبارکه انعام، آیه شریفه ۸۲).

پ) امنیت در کلام معصومین (علیهم السلام):

علاوه برقرآن کریم، احادیث رسول خدا و ائمه اطهار (ع) نیز در باب امنیت راهگشا می‌باشند. در سخنان معصومین (ع) و روایات آن بزرگواران نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الْغَمَّانِ مَجْهُولَتَانِ، الْأَصْحَى وَالْأَمَانُ»

«دو نعمت است که مورد قدرناشناسی و ناسپاسی است، نعمت سلامتی و امنیت»
و در روایات دیگر می‌فرمایند «مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي بَدْنِهِ أَمِنَّا فِي سِرِّهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَانَ خَيْرَ لَهٗ الدُّنْيَا بِحِذَافِيرِهِ»

«هرکس تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد جهان سراسر مال اوست» (نهج الفصاحه: ۵۹)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلَقَهُ»

«خداوند اسلام را وسیله امنیت برای گروندگانش قرار داد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶)

(۱۴۶)

و در روایات دیگر می‌فرمایند «رَفَاهِيَةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ»

«و ماهیت زندگی در امنیت است» (شرح غررالحکم، جلد ۴: ۱۰۰) امیرالمؤمنین (ع) تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالیه امام می‌داند:

«خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد» (شهیدی، ۱۳۷۴: ۱۲۹).

و نیز در عهدنامه مالک اشتر، ضمن تأکید بر انعقاد پیمان‌های صلح برای تأمین امنیت عمومی، پیشگیری از عوامل تهدیدکننده امنیت را نشان می‌دهد:

«و از صلحی که دشمن، تو را به آن خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند، و از اندوهای برهاند و شهرهای ایمن ماند. زنه‌ار! زنه‌ار! از دشمن خود پس از آشتی بپرهیز که بسا دشمن به نزدیکی گراید تا غفلتی یابد و کمین خود بگشاید ... پس دوراندیش شو و به راه خوش‌گمانی مرو» (همان، ۳۳۸).

امام صادق علیه‌السلام فرمود: پنج چیز است که حتی اگر یکی از این پنج چیز برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود، مایه دل مشغولی می‌گردد؛ اولین پنج چیز، سلامتی و دومین آن امنیت است (مجلسی، جلد ۷۸: ۱۷۰).

ت) سیره نبوی یکی از مهمترین مراجع تشخیص امنیت:

مرجع امنیت، شاخص مهمی برای درک وضع امنیتی در هر سیستم و موضوعی، مفروض می‌باشد. مرجع امنیت به شدت با ارزش‌های بنیادین ارتباط دارد. مرجع امنیت، مهم‌ترین چیزی است که باید از تهدید مصون بماند. درقرآن کریم، ذات مقدس الهی، سیره نبوی را به‌عنوان مرجع تشخیص امنیت و یا نا امنی می‌داند، آیات متعددی نیز در این خصوص اشاره گردیده است که عبارت است از:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (سوره مبارکه قلم آیه شریفه ۴)

﴿و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری﴾ (حکایت از مبحث اخلاق مداری دارد).

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ ظَظًّا غَلِيظًا لَفَقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه ۱۵۹)

﴿به سبب رحمت الهی، در برابر مومنان، نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آن ها را ببخش و برای آن ها آموزش بطلب؛ و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) برخدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد﴾ (نشان از برخورداری حسن خلق دارد)

در آیات شریفه فوق حسن خلق و اخلاق مداری به عنوان منابع امنیت رسول خدا (ص) معرفی شده و از مهم ترین منابع می باشند. مطابق کلام الهی، انسان موضوع دو گونه آفرینش است (صوری و ماهوی) و در نتیجه دو گونه از اخلاق هم برایش متصور است:

اول: اخلاق مبنی بر خلق که با خلقت او مرتبط است.

دوم: اخلاق مبتنی بر خلق که جنبه اکتسابی دارد و فرد از طرق گوناگون آن ها را فرامی گیرد آنچه در اینجا در حذر توجه بنمایند تأکیدی است بر هر دو بعد داشته و از این طریق امتیاز برجسته رسول خدا (ص) را در هر دو حوزه می تواند، مولد امنیت نرم برای دیگران نباشد.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

﴿مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند﴾. (سوره مبارکه احزاب آیه شریفه ۲۱)

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ (سوره مبارکه آل

عمران آیه شریفه (۳۲)

* «بگو: فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر (از آنان) روی گردانید (و کافر شوید) همانا خدا هرگز کافران را دوست ندارد».

لذا با توجه به اسوه بودن فردی و اجتماعی سیره نبوی، تعیین سیره امنیتی آن حضرت در راستای تأمین امنیت بشریت وجوامع بشری در ابعاد مختلف، کاملاً مؤثر و مفید به فایده می‌باشد.

برخی از ویژگی‌های سیره نبوی عبارت از:

- (۱) صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان
- (۲) مبارزه با جنگ افروزان و فتنه‌گران
- (۳) پرهیز از استبداد و اجبار
- (۴) ظلم‌ستیزی
- (۵) نهی از اطاعات طاغوت
- (۶) پایبندی به پیمان و عهد
- (۷) پایبندی به قوانین الهی
- (۸) در آمیختن نرمش و قاطعیت
- (۹) برقراری عدل و قسط
- (۱۰) انفاق و رسیدگی به فقیران بنابراین در سیره امنیتی پیامبر (ص)، تهدیدات اصلی امنیت شامل انسان و جامعه انسانی، تهدیدات درونی-انسان و جامعه انسانی- و حوزه تهدیدات بیرونی را ظلم به دیگران می‌دانند لذا خودسازی (رفع تهدید درونی)، مبارزه با استکبار (رفع تهدید بیرونی) و ایمان به خدا و رستگاری براساس سیره نبوی است که محصول آن امنیت می‌باشد.

اینک پس از بررسی دو مفهوم نظارت و امنیت از جنبه‌های مختلف باید به این نکته اشاره نمود که میان این دو مفهوم، رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. در این ارتباط شاید بتوان امنیت را محصول تمام و کمال نظارت تلقی کرد اما ارتقای امنیت از مواردی است که با نظارت دقیق می‌تواند رابطه‌ای وثیق داشته باشد. آنچه در این نوشتار بیان شده، تلاشی برای نشان دادن این ارتباط از طریق مذاقه در معنای این واژه بود.

نتیجه‌گیری:

با مراجعه به شریعت اسلامی مشخص می‌گردد که خداوند تبارک و تعالی در مقام سالم‌سازی جامعه و رهایی آن از آفات و مفسدات، سازوکارهایی را مورد عنایت قرار داده و از حداکثر ظرفیت اصلاحی شریعت برای بنای یک جامعه سالم، عاری از فساد و امن، بهره برده است.

موضوع کلیدی نظارت که خداوند تبارک و تعالی از آن به عنوان یک سنت الهی یاد می‌فرمایند، به‌سان عاملی مؤثر برای بازگشت به فطرت الهی مطرح است، فطرتی که جهان هستی بر آن استوار است و جوامع هرچه بر آن نزدیک‌تر شوند همانند افراد، به صلاح و رستگاری نزدیک‌تر می‌شوند. صلاح جوامع در ایمنی آن‌ها از مفسدات و بهره‌مندی آن‌ها از حمایت الهی است تا آنجا که خداوند متعال آن‌ها را کفایت نموده و دنیا و آخرت آن‌ها را سامان می‌بخشد.

همان‌گونه که اشاره گردید مبحث نظارت در شریعت اسلامی را می‌توان به نظارت الهی، نظارت درونی، نظارت بیرونی و نظارت سازمانی تقسیم کرد. در نظارت الهی فرمایش حضرت امام خمینی (ره) که «عالم محضر خداست در محضر خداوند معصیت نکنید»، نظارت درونی شکل می‌گیرد که در فضای فردی با عنوان بصیرت تعبیر شده است. خداوند متعال در سوره مبارکه قیامت در آیه شریفه ۱۴ می‌فرماید همانا هرکسی را بر نفس خود بصیرت و آگاهی است. این بصیرت انسان را قادر می‌سازد تا میزان اشتیاق و التزام خود را به تکالیف اجتماعی‌اش سنجیده و از رضایت‌مندی آن اطلاع حاصل نماید. هرچه میزان رضایت‌مندی افزایش پیدا کند نظم اجتماعی از ناحیه عملکرد فردی تقویت، باثبات و افزایش خواهد یافت. ازطرفی نظارت بیرونی بیشتر بر همگان و جامعه تأکید داشته است و در قالب امر به معروف و نهی از منکر، نظارت مردمی بر گستره اجتماعی فعال می‌شود. به‌موجب وجوب ادله امر به معروف و نهی از

منکر و دلایل لزوم دخالت مردم در سرنوشت خودشان، نظارت مردم بر امور مختلف جامعه از جمله نظارت بر زمامداران و بالعکس، به عنوان حق و تکلیف در نظر گرفته شده است. این نظارت نسبت به سیستم‌های دولتی وسیع‌تر، کم هزینه‌تر و مؤثرتر است چراکه «از مردم، بر مردم و توسط مردم» می‌باشد که همانند نظارت درونی، نظم اجتماعی حاصل می‌شود و در نظارت سازمانی، کارکنان و خادمین کشور مد نظر قرار می‌گیرند.

در مفهوم نظارت با منطق اسلامی، به نظر تکلیف «امر به انجام وظیفه» را می‌رساند، وظیفه‌ای که با نوعی ترغیب و تحریض همراه است. اگرچه ممکن است نفس انسانی به خاطر امیال و هواهایش آن را خوش ندارد و در مقابل آن مقاومت یا امتناع ورزیده و به نوعی خلاف نظم و امنیت عمل نماید. آنچه بین «تکلیف» و «امنیت» پیوند برقرار می‌سازد مفهوم «نظارت» است. نظارت در واقع دلالت بر آن دارد که باید نسبت به حق و تکلیف پیوسته رعایت گردد و با ایجاد و تقویت تعادل میان دو بخش «حقوق» و «تکالیف» نقش محوری را در تولید و تقویت ضریب امنیت از منظر شریعت به عهده دارد. آنچه از منظر امنیت درخور توجه می‌نماید آن است که نظریه اسلامی نظارت، با ایجاد و تقویت نظم اجتماعی و ثبات آن در جامعه، امکان تقویت و ارتقای امنیت را فراهم می‌سازد.

علی‌ایحال نظارت، امری کاملاً عقلانی و مبتنی بر آموزه‌های دینی بوده و تبیین مراحل گوناگون آن از جانب ذات اقدس الهی و اجرای آن توسط انسان موجبات جلوگیری از آسیب‌ها و تهدیدات و بی‌نظمی را در شهروندان، سازمان‌ها و جامعه و در نهایت حاکمیت اسلامی فراهم می‌سازد، لذا نظارت یکی از پایه‌های امنیت محسوب گردیده و در تولید و تحکیم امنیت که همان فقدان ناامنی و تهدید می‌باشد، نقش به‌سزایی را ایفا می‌نماید.

فهرست منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن ابی الحدید معتزلی (۱۴۰۴ هجری قمری)، شرح نهج البلاغه، جلد ۲، قم: آیت‌اله مرعشی
- (۳) احمدی، حمید (۱۳۸۳) هویت و قومیت در ایران، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران
- (۴) احمدی میانجی، علی (۱۳۸۱) اطلاعات و تحقیقات در اسلام، تهران، نشر دادگستر.
- (۵) اصغری، محمود (۱۳۸۳)، نقش پاسخ‌گویی و تأثیر آن در عدالت اجتماعی، فصلنامه اندیشه حوزه، شماره ۴۹ و ۴۸
- (۶) افجه‌ای، سیدعلی‌اکبر، (۱۳۷۳)، مدیریت اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی
- (۷) الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۰)، ویژگی‌های نظارت کارآمد نظارتی، مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- (۸) الوانی، مهدی (۱۳۷۹)، مدیریت عمومی، چاپ چهاردهم، تهران، نی
- (۹) امیدخواه، حسین (۱۳۸۳) حفاظت و اطلاعات از دیدگاه اسلام، تهران، معاونت حفاظت و پیشگیری - مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه.
- (۱۰) آریان‌پور کاشانی، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی و فارسی، جلد اول، تهران
- (۱۱) بادکوبه هزاره، احمد (۱۳۸۱)، بنیادهای سازمان حسب از آغاز تا پایان دوره اموی، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۱
- (۱۲) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضاییه، مورخه ۱۳۹۰/۰۴/۰۵

- ۱۳) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در اجتماع مردم شیروان، مورخه ۱۳۹۱/۰۴/۰۵
- ۱۴) بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، مورخه ۱۳۹۴/۰۱/۳۰
- ۱۵) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، تهران، گنج دانش
- ۱۶) جمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۴) بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۱۷) حرالعالمی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۶، باب وجوب محاسبه النفس کل یوم، قم، آل البیت علیهم السلام
- ۱۸) خدمتی، ابوطالب (۱۳۷۸)، نظارت و بازرسی در اسلام، فصلنامه معرفت، شماره ۲۷ و ۲۸
- ۱۹) خمینی، روح الله (۱۳۷۳)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۲۰) خواجه نظام الملک، سیاست نامه
- ۲۱) خوش فر، غلامرضا (۱۳۷۹)، امنیت و جامعه مدنی، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
- ۲۲) دادگر، داوود (۱۳۸۰)، مبانی بازرسی و تهیه گزارش های ویژه نظارتی، فصلنامه دیده، شماره ۱۳
- ۲۳) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران
- ۲۴) رضاییان، علی (۱۳۹۲)، اصول مدیریت، تهران، سمت
- ۲۵) سیدرضی (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، ائمه
- ۲۶) شرح غررالحکم، جلد ۱۰۰

- ۲۷) شریعتمدار جزایری، آیت الله. (۱۳۷۹)، *امنیت در فقه سیاسی شیعه*، مجله علوم سیاسی، شماره ۹۰
- ۲۸) شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۴)، *ترجمه گفته‌های نهج البلاغه*، تهران، علمی و فرهنگ
- ۲۹) عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی (۱۳۶۶ هجری شمسی)، *غرر الحکم و درر الکلم*، باب مراقبه النفس، حدیث ۴۷۱۶، قم، تبلیغات اسلامی
- ۳۰) عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت*، تهران، ابرار معاصر تهران
- ۳۱) علوی فر، ناصر (۱۳۸۵)، *راهکارهای تأمین و توسعه امنیت*، تهران، دانشگاه تهران
- ۳۲) فارابی، محمد (۱۳۸۵)، *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران، انجمن حکمت فلسفه
- ۳۳) فتاحی اردکانی، حبیب‌اله (۱۳۹۱)، *راهبردهای ارزیابی و نظارت اثربخش*، تهران، آثار فکر
- ۳۴) قاضی یوسف، *الخراج*، دارالمعرفه
- ۳۵) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ هجری قمری)، *کتاب الحجّه*، جلد ۱ باب ما امرالنبی صلی الله علیه وآله وسلم بالنصیحه الاثمه المسلمین، دارالکتب الاسلامیه
- ۳۶) لک‌زایی، نجف (۱۳۹۰)، *امنیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی*، فصلنامه اسراء، سال سوم، شماره سوم، بهار، تهران.
- ۳۷) لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹)، *فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)*: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم
- ۳۸) مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ هجری قمری)، *بحار الانوار*، جلد ۴۱، بیروت لبنان، مؤسسه الوفاء

- ۳۹) مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲)، *پیش نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی
- ۴۰) مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم، صدرا
- ۴۱) معین، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین*، جلد چهارم، تهران، فرهنگ نما
- ۴۲) ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۸۲)، *نظارت و نهادهای نظارتی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
- ۴۳) *نهج البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۱
- ۴۴) *نهج الفصاحه*
- ۴۵) هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۸)، *نظارت شورای نگهبان انضباطی است نه استصوابی نه استطلاعی*، مشارکت سیاسی احزاب و انتخابات، چاپ اول، تهران، سفیر
- ۴۶) هندی، متقی بن حسام الدین، *کنز العمال*، جلد ۴

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قزوینی
سازمان یازرسی کل کشور، طبقه ششم
شماره تماس: ۰۲۱۳۶۲۳۰۷۰
نشانی الکترونیک: bazrasi.research@136.ir
www.bazrasi.ir